

V
11V

[Handwritten scribble]



اجزاء قطعاً نباید بیج حزبی داخل شوند و در امور سیاسیّه داخله نمایند

حضرت عبدالبهاء

آهنگ بدیع

مخصوص جوانان بهائی است

سال نهم شماره مسلسل ۱۶۴

شهر المثنیّه - شهر العلم ۱۱۷ - مهر ماه ۱۳۲۹

شماره پنجم

صفحه

فهرست مطالب

۱۷۲

۱- لوح

۱۷۳

۲- بیانات حضرت ابادی امرالله امه البهائیه روحیه خانه

۱۷۵

۳- آفتاب عمر . علی درودکار

۱۷۶

۴- امر مهاجرت و مشکلات تبلیغ

۱۸۴

۵- وحدت عالم انسانی (بقیه از شماره قبل)

۱۸۶

۶- شعر . خانم طلعت بهاری

۱۹۲

۷- خاطرات سفر شمال (بقیه از شماره قبل)

۱۹۸

۸- یازدهمین انجمن شهر روحانی

۲۰۰

۹- ام المعابد افریقا . دکتر باهر فرغانی

۲۰۲

۱۰- آهنگ بدیع و خوانندگان

۱- لجنه جوانان بهائی کینهاک (دانمارك)

شرح عکس های این شماره

۲- اولین کنفرانس تحریری حقیقت در کینهاک (دانمارك)

ای بنده گان آستان مقدس آسی شمس خجسته از ارق عالم همدان فرموده در قصب آفاق در نقطه استراق به خجسته
 تا جهان را روشن نماید همچنان ملکوت تکمیل فرماید و میان کالات انسانی تا میس نماید روز اول را بنیاد بر آید
 و فضائل را بنیان بر خسته از و لهذا نضاح و وصایای فیه بود و شریعت سحر بیضایی تا میس کرد که کمال است
 عالم انسانی است و ضابطه عفت و محبت و استقامت اجابای رحمانی پس این باید که این خجسته بر خسته از
 و دوستان شاید که این فارغ شده بر افروزند حضرت مسیح روحی که اله در این نخل خطاب بجاری میفرماید
 که شامخ ارضه اگر فاسد کرد جهان بچه چسبه نکلین شود باری مقصود این است بلکه بنده گان آن است تا میس باید
 بوصایا و نضاح جمال مبارک قیام نمایم و نافه مشکبار بر جهان و جهانیان شاکر کنیم راه عدالت پونیم و از تریه کویم
 و سیل طهارت کبری پونیم بختار و خردار و رفت آیت موبت پروردگار شویم و سبب تریه و در کبر بر شویم
 کلمات مکنون را از بر نمایم و وصایای حضرت یحیی را عمل نمایم و رفتار و کرداری نمایم که سرزوار نسبت با
 معتد است و شایان مجربیت در گاه احدیت من چون غلبه خویش کنم شرمسار گردم و از خلعت عرق حسین آرم
 زیرا با نچه شایسته و سرزوار است قیام نموده ام و با مجال موفق گشته ام بلکه اشارت شاموید و موفقی گردید و بتعدیس
 و تریه و هدایت تقوی با خلق بایمیزید تا هر قرین نفع بهشت برین است شام نماید و هر ندیم آثار خلق عظیم مشاهده کنند و حج مل
 شهادت دهند که جهانیان صحیح آقا قد و آیات طلوع و اشراق . بهائی را به جفت شناسند نه با هم و خلق پی برند
 و عیسم نبی چون شخصی بایند گفت آیت توحید و در رفتار مجسمه تجرید و در کردار حقیقت تعدیس فرماید بر آرد که این بهائی
 است . اگر چنین شویم در حسین چنین نباید و آلیا یا اسفا علینا علی ما فرطنا فی جنب الله و علیکم ایها الایمانی ع ع

بیانات حضرت ایادی امرالله امه البهائیه در جمع اجبای انگلستان

” قدرت و ثروت اجبای بستگی بالفت و محبت یکدیگر دارد و احساس تنهایی ما در ساعاتی است که دورهم نیستیم و فقط در محافل و مجالس است که روح ما آرامش می پذیرد . ما اکنون احساس میکنیم که بیش از هر موقع دیگر قلوبمان ملو از عشق به حضرت ولی امرالله است و شادی ما در آنست که بانجام کاری بپردازیم که رضای او در آن باشد . ”

بعدها امه البهائیه فرمودند : ” پس از صعود مولای حنون اهل بها در حالیکه قلبم مالا مال از غم و اندوه این سانحه عظمی بود و احزان از هر طرف احاطه کرده بود بزیارت روضه مبارکه حضرت بها^{علیه السلام} الله شتافتم و در آنجا متوجه یک نکته شدم و آن این بود که من بخاطر حضرت بها^{علیه السلام} الله بهائی شده ام نه بخاطر حضرت ولی امرالله و این امر حضرت بها^{علیه السلام} الله است که باید در بسط و توسعه آن بکوشم . بعد دریافتم که اگر باتمام قلب و فواید توجه تام به ملکوت حضرت بها^{علیه السلام} الله نعیم خواهم توانست اندوه جانگدازی را که با آن روبرو هستم تحمل نمایم .

هدف ما در زندگانی شناسائی خداوند و عشق باوست . بخاطر دارم یک روز یکی از زائرین که بحضور گرسیده^{مبارک} بود عرض کرد نمیتواند با اجبای شهری که در آنجا سکونت دارد سازگاری داشته عضو^{مبارک} تعالی در جامه بهائی آن شهر باشد . هیکل مبارک باو فرمودند که اصولا تصور اینکه شخص — بهائی نتواند با کسی سازش داشته باشد فکری غلط و غیر صحیح است زیرا چون ما به خداوند عشق میورزیم باید جمیع بشر را نیز دوست داشته باشیم ما باید بهمه محبت داشته باشیم چون همه مردم

اجبای انگلستان اخیرا توفیقی پیدا کردند که حضرت ایادی امرالله امه البهائیه روحیه خانم را ملاقات — نمایند و از بیانات ایشان استفاد^ه کنند . حضرت خانم برای نظارت در اتمام بنای مرقد مطهر حضرت ولی امرالله ارواحنا لترتبه الفدابلندن تشریف آورده بودند و ضمن کنفرانسی که روز ۲۶ اکتبر ۱۹۵۹ در هتل اکسلستون تشکیل گردید متجاوز از ۲۰۰ نفر بهائیان انگلستان بملاقات ایشان نائل شدند .

مطالب ذیل از نشریه محفل ملی بهائیان انگلستان استخراج گردیده است برای تنظیم این مطالب از یادداشت های چند نفر از اجبای استفاد^ه شده و گرچه هیچ یک رساما مور ضبط بیانات ایشان نبودند مع هذا اختلافی در یادداشت های آنها نباشد .

ترجمه — فریدون وهمن

آهنگ بدیع

آن تعقیب و دنبال فرمایند هیچ عاملی هیچکس
مبارک را از اتمام و ادامه کاری که در دست اقدام
داشتند باز نپیدا شد .

کلیه ایادی امرالله مقیم ارض اقدس اکنون
تمام اوقاتشان را صرف می کنند تا بتوانند کاری
را که هیچکس اظهرینفسه انجام می دادند انجام
دهند .

حضرت ولی امرالله سیستم خاصی برای
کار داشتند که عبارت بود از استقامت و سرسختی
آنقدر کار میکردند تا آنرا بانجام رسانند و تمام کنند
ما باید یاد بگیریم که اینطور باشیم .

حضرت ولی امرالله اتکانشان به تائیدات الهیه
و سپس بخودشان بود . بدین معنی که اول می
سنجیدند آیا کاری را میتوانند انجام دهند یا
نه بعد تصمیم میگرفتند آن کار را بکنند سپس
شخصا آنرا بانتهای میرسانند .

ما نیز باید بادلیری و درکمال استقامت و -
استواری کارهای امری را انجام دهیم . باید
حقایق را تجزیه و تحلیل نمائیم هر یک از -
احباء منبعی از نور و انرژی برای امور امریه
هستند .

بسیار مهم است که بهائیان امررا از جنبه
بین المللی بنگرند . حضرت بهاء الله برای -
استقرار وحدت عالم انسانی ظاهر شدند . حضرت
ولی امرالله امر را قدم بقدم بسط دادند . این
کار ایشان میراث گرانمایست و نباید اجازه -
دهیم که درین میدان حتی به ^{بقلند} عقب برویم .

باید از عظمت و قدرتی منتهائی که عضویت
جامعه بهائی شامل حال مانموده آگاه باشیم
محافل ملی باید امور را از جنبه بین المللی
نگاه کنند . محافل محلی باید وسعت نظرشان
ملی و مملکتی باشد . جمعیتهای بهائی بایست
چون محافل محلی و افراد احباء بمشابه یک
جمعیت بهائی بیندیشند و کارکنند .

به خداوند تعلق دارند . چگونه ما حتی اشیاء
و یادگارهای شخصی که باو علاقه داریم دوست
میداریم .

احباء باید با یکدیگر در نهایت صمیمیت
باشند اتحاد منبعث از عشق است شور و شور و هم
بستگی بیکدیگر بسبب عشق است .

اکنون نظم اداری حضرت بهاء الله در سر
جهان در حال رشد و توسعه است . این نظم
در طی سنین گذشته و سالهای پر رنج و زحمت
بوجود آمده و امروز دنیای بهائی بیش از هر
چیز احتیاج به عشق دارد ما باید بخاطر خودمان
و بخاطر انسانیت یکدیگر را دوست بداریم .

حضرت ولی امرالله آنچه را که ملازم داریم
برایمان بجا گذاشته اند . نقشه دهساله آخرین
نقشه ایست که هیکل مبارک طرح فرموده اند و
این نقشه بما فرصت خدمتی را میدهد که عدم -
شرکت در آن هرگز جبران نخواهد شد .

ما باید اول هدف را در نظر بگیریم و فرمان
را متوجه بهترین مقصدی که داریم بنمائیم و آن
وقت برای وصول بآن تلاش نمائیم . تنها در آن
صورت است که مجهودات ما ثمربخش خواهد
شد و امور جریان سریع خواهد یافت .

هر یک از ما باید ابتدا نقشه کارمان را
طرح کنیم و بعد عوامل و مویبائی که ما را از -
وصول به هدف باز میدارد بشناسیم و دست و -
پای خودمانرا از آنچه ما را به محیط می بندد
باز کرده آنگاه شروع بکار کنیم .

ما ایشانرا نه بعنوان مثل اعلای امر بهائی
بلکه همچون قدوه حسنه و سرمشقی عالی در
انجام خدمات امریه و نحوه کار و فعالیت ها
مورد تاسی قرار دهیم . حضرت ولی امرالله
وقتی کاری را شروع می کردند مانند ترن سریع
السیری که روی ریلی خط سیرش معلوم باشد می
دانستند بکجا میروند و چطور باید کار را تا خاتمه

آفتاب عمر

در معبر حیات آفتاب عمر ماحنوز سر برنژده در میان تاریکیها و ابهامی اسرار آمیز رو با قول میرود و در غوغای زندگی نابسامانیها ایجاد میکند. تنها کسانی می توانند در این گیر و دار زندگی آرام و آرامش خاطر داشته باشند که قلوبشان فارغ از هم و هم دنیای مادی بعنایات لانهای الهیه متوجه باشد و در برابر ارادات حق تسلیم صرف باشند مصائب و مشکلات جهان را بهیچ انگارند و با آغوش باز تحمل هر سختی و مصیبتی کنند. جفایش را وفا بینند و بلایای لاتحصایش را عنایات بیحد و حساب دانند.

تاریخ ۱۱۷ ساله امر مشحون از وقایع و اتفاقات جانسوز و عبرت انگیزی است که خواننده آنرا دچار بهت و سرور مینماید. مبهوت از این نظر کسه انسان در مقامات معنوی و روحانی تا چقدر میتواند ترقی نماید و تا چه اندازه در وادی هیجان انگیز عشق الهی قدرت عشقپازی دارد و چگونه در این سبیل در نهایت سرور و حبور از کلیه لذایذ دنیا و مافیها چشم میپوشد و لذات معنوی عالیتری که درکش برای همه میسر نیست نائل میگردد.

در حالیکه شاید دیگران او را دیوانه و مجنون بخوانند او با چنان شور و نشوری سرگرم است که چون سلیمان خان خنجر از دست دژخیم برکین بر میگردد و سینه بسی کینه خود بدست خویش میدرد. مستانه در کوچه و خیابان در حالیکه قطرات اشکهای شمع های افروخته بریدن شمع آجین شده اش میریزد و میسوزاند و ابیات عاشقانه می خواند و میگوید: آنکه دائم هوس سوختن ما میکرد کاش میآمد و از دور تماشا میکرد مسرور از این نظر که در دریای طوفان زده گیتی و در دنیای شکست خورده مادی در دنیا یکبهیچوجه روزنه امید برای بشر غافل باقی نمانده است چگونه علائق معنوی ^{و روحانی} می تواند نقش حیرت انگیز خود را ایفا نماید و جایگزین همه لذات و نابسامانیها گردد. مگر نه اینست که همه ناکامیها و نامرادیهای ما علتش همین نداشتن علائق عالی معنوی است؟ گویانکه اکثر غمها و مصائب زندگی خود باعث ترقیات روحانی می گردند و بفرموده حرم مبارک که میفرمایند "من میدانم که غم ورنج برای چه هستند ولی اینرا میدانم هر وقت که مصیبتی بمن روی آورده از نظر روحانی توفیقات بیشتری حاصل کرده ام و خالص تر شده ام" ولی آیا بهتر آن نیست که از لذات روحانی طرف بیشتری بگیریم تا شرتنگ ناملایمات را بتوانیم مشتاقانه در کام جان ریزیم و بحب الهی که تنها مامن و ملجاء انسان است دل بندیم و از هر بندی نجات یابیم زیرا می فرماید: "حبی حصنی من دخل فیه نجا و امن" کیست که از محیبت الهی کام جان شیرین کرده باشد و آماده برای هرگونه فداکاری نباشد؟ کیست که در

امر مهاجرت و مشکلات تبلیغ امر

مالك

احدیت

دواصل جلیل در این دور اعظم که ایام ظهور و بروز حقایق اشیاء است کافل سعادت و رفاه عالم انسانی است اول نیل بشناسائی مظهر الهی و دوم عمل بتعالیم و دستورات آسمانی . جمال قدم جل ذکره الاعظم میفرماید " دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد و نیر عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور بازماند " شناسائی مظهر الهی یگانه وسیله تقرب بساحت قدس ربانی و ذات غیب صمدانی است و امر اخیر مقصد و منظور اصلی از خلق انسانی است پس هر که از این اصل محروم ماند از نکته اصلی حیات خوش غافل مانده و وجودش عاطل و زندگی بی هدف و روحی که عنصر اصلی برای تمایز او از عالم حیوان است پژمرده و علیل و درعوالم الهی سیرش بطئی و پیشرفتش ضعیف و در وادی های بعد از حق که نار افروخته و سعیر جحیم است سرگردان و معذب خواهد بود . از طرف دیگر شناسائی مظهر ظهور بدون اجرای تعالیم امری است بی اثر و عطلی است مردود و بی ثمر . زیرا طبیب معنوی را شناختن و باو رجوع کردن و سپس از دستورات او غفلت و یا عصیان نمودن سبب بر مرض و شفای علت نخواهد شد سهل است مسئولیت مریض در مقابل طبیب شدیداست زیرا اگر او را نمیشناخت و رجوع نمیکرد بروز و استمرار مرض از او موری بود که از عهده مریض بیرون بود ولی شناختن و رجوع و سپس غفلت یا طغیان نسبت با اجرای دستور علاوه بر ادامه مرض و تشدید آن نتیجه اش در این مورد عقاب و مجازات دنیوی و اخروی مریض و انتقاد صاحب نظران است .

از امور بدیهی است که امر مهاجرت با انتشار دیانت ملازمه دارد . ابراهیم خلیل با هجرت از طور و جلای وطن سر سلسله انبیاء و منادیان دین گردید . حضرت موسی بوسیله هجرت اسارت خویش و قوم اسرائیل را با مارت و فرمانروائی ارض مقدس تبدیل نمود حواریون قدیسین با تفرق و هجرت بانشاز انجیل جلیل و پیام مسیح موفق شدند . حضرت ختی مرتبت تفرق اصحاب و هجرت آنها و خویش را وسیله حفاظت و تقویت اسلام مقرر داشت . حضرت باب اعظم حروف حی را در بدایت بزوغ شمس ظهور به هجرت بدیار مامور فرمود . دیانت دنیائی بهائی با هجرت و سرگونی جمال اقدس الهی و عائله مقدسه و مومنین و ملازمان قدیم و جدید از زندان سیاه چال باقصی نقاط عالم منتشر گشت . در ظل هجرت و تفرق ^{و الهیانه} مشتاقانه پر محویت یاران راستان است که امر مقدس بهائی اکنون در ۲۷۰ کشور مختلف وعده کبیری از جزائر قریبه و سعیده دنیا استقرار یافته است ولی در مورد مهاجرت

باید چند نکته اصلیه را نصب العین دقت و همت قرار داد :

(۱) هجرت بمنظور حفظ و صیانت جان و مال نفوس و رهائی آنها از نتایج و عواقب انقلابات و اضطرابات جهانی نبوده و نیست .

(۲) تنها انتقال فردی یا عائله ای از کشوری به کشور دیگر یا از شهری بشهری دیگر منظور مهاجرت را تامین نمیکند .

(۳) مقصد جلیل و اصیل مهاجرت تبلیغ و انتشار پیام الهی و اتمام حجت بجمع اعضاء جامعه انسانی است نشر نفحات است . شناساندن - تمامیت و استقلال و عمومیت و جلال آئین نازنین بهائی است . سعی در رفع احتراز و اجتناب نفوس است . در عمل نمایاندن مزیت و ازجحیت - اصول و مبادی سامیه ربانیه است معرفی نظم بدیع الهی است که نمره اعلایش استقرار - ملکوت الله بر وجه ارض خواهد بود نمایش دادن جامعیت آئین مقدس بهائی جهت اصلاح مفاسد و علاج امراض مزمنه جامعه انسانی است بنجوی که برجهانیان ثابت و عیان شود که توحید ادیان و وحدت لسان و یگانگی نژاد های انسان و استقرار صلح عمومی در قطب جهان هیچ يك راهی جز انتشار و استقرار این بنیان عظیم ندارد .

حال تصور کنیم که بهائی مطلع منجدبی موفق شده هجرت خود و عائله را با تجمع شرائط از کشور خویش بکشوری دور یا نزدیک فراهم کند باید دید مهاجر آزاده مادر ممالک غرب عادة باچه اوضاعی مواجه است ؛ در قدم - اول باید گفت که عادات و آداب و قوانین و سجایای مردم در محل جدید با آداب و - سجایای او تفاوت عظیمی دارد و این مسئله از مشکلات و موانع تبلیغ محسوب است ؛ از قدیم گفته اند " ترك عادت موجب مرض است " و این

امر در مورد اهل کشور و شخص مهاجر هر دو صادق است . آنها که الزامی بترك عادات خویش ندارند و ولی مهاجر مطلع که در طلب رضای دوست از زندگی روبراه و منتظم و جاده های - کوبیده و راههای سر راست و شناخته خود دست کشیده قدم در وادی جدید گذاشته باید خود را بترك عادت و سجیت عنداللزوم وادارد .

بسیاری از امور که در کشوری ممدوح و پسندیده است ممکن است در کشور دیگر مورد تعجب و گاهگاه مورد ملامت و تعرض باشد . در بلاد غرب زندگی تحت قاعده و نظم است محدود و محصور است . عادت بمهمانی کردن و مهمانی رفتن زیاد ندارند . محل ملاقات در مراکز مخصوصه و رستورانها و کلوب ها و سالنهای عمومی است .

بندرت نفوس در خانه حتی از اقوام و منسوبان آن هم بسدد زیاد پذیرائی میکنند . بسیار عادی و معمولی است که عائله ای مرکب از مادر و پدر و چند طفل در دواطاق زندگی کنند و این منزل دو اتاقه با منزهائی از همین - قبیل در يك طبقه و ده ها منزل دیگر در - طبقات زیر و بالای عمارت ملاصق و متصل است بنحوی که سروصدادر تمام ساعات مخصوصا پس از ساعت ده شب از بی ترتیبی های غیرمخفوف شناخته میشود و مورد اعتراض علنی و شدید است .

بر پیدا است که در چنین اوضاعی عادات ما ایرانیان که ناشی از وسعت زندگی ایران و - دوری خانه ها از یکدیگر و وجود باغ و حیاط و فضا بین عمارات است با زندگی محدود و سی سر و صدای فوق الذکر چندان ملائم و موافق نیست خاصه که چند بجز نیز در عائله ایرانی بسر و روی زندگی زینت عادی و طبیعی داده باشند در صورتیکه در غرب وجود بچه استثنائی است و عده آنها نیز تحت مذاقه و مطالعه و حساب دقیق بوده عده از يك والی سه -

آهنگ بدیع

تر و تازه و مهمانانرا ممنون و فرح میسازد
غافل از اینکه دمار از روزگار اهل کشور و -
همسایگان نزدیک در آورده و تحمل آنانرا
از سر حفنزاکت معمول که حتی الامکان مانع
از اظهار ما فی الضمیر است بیرون برده است
بر این شئون که در نظرخارجیان بکلی غیر
مفهوم و غیر قابل تحمل است بایدعطرهای
مطبوع سبزیهای خشک کرده کشور مقدس ایران
را از شبد و شنبلیله و غذاهای دلپذیر
و چاشنی های مختلف و بودار ایرانرا مخلوط
با ترشی سیروبیاز وکشک و تنقلات و شیرینی
های مختلفه که برای ما بسیار دل انگیز ولسی
برای آنان تحملش احیانا طاقت فرسا است
بیفزائیم . بدیهی است که برای ما ایرانیان
بوی فسنجان و قورمه سبزی و خورش قیمه با
لیموی عمان و گله جوش سیر دارا خورش -
بادنجان بقدری مطبوع و مشهی است که غدد
بزاز را در دهانها بشدت تحریک میکند و آب
را بدهانها میآورد ولی برای خارجی مانند
الحان شرقی غیر عادی و گاهگاه نامطبوع و
زننده و مکروه است . از مجموع این اوضاع
و عدم توجه بشرائط اولیه آزادی فردی که
مراعات راحت و آزادی دیگران است در همسایگان
و آشنایان و اهل محل نظری ناگفته ولی مسجل
پیدا میشود که این عائله های جدید از مالک
عقب افتاده شرق بدنای غرب شبیخون زده
در صد دین عربی یا معتقداتی شبیه آنرا
در بین آنان انتشار دهند این جمله کافی است
که رویه عمومی بر این قرار گیرد که بابهایی
مهاجر ما که چنان ملو از خلوص و قلبش
منجذب بکلمات الله است بی جهت نظر ناموافق
بیدا کنند و از معاشرت با او اجتناب نمایند
و حریمی معنوی بین خود و مهاجرین قائل شوند
بیش از این در این موضع اطناب کلام نمیکسم

تجاوز نمیکند . اگر مهاجر ما بامشاهده راه و
رسم جدید بتواند خود و عیال خود را بزحمت
تا حدی با این اوضاع موافق نماید و عادات
و سجایای عمری را ترک کند تازه اطفال
درست نمیتوانند این تغییر وضع را درک -
کنند و مایل اند بآداب سابقه آواز معمولی و -
احیانا نغمه تصنیفی و آوای گریه هجراز خود
را در داخل و خارج منزل و دالانها و معبر
های عمومی عمارت سر دهند و عیبی هم در آن
نی بینند و حال آنکه دیگران حین ورود و خروج
مخصوصا شب سعی دارند درب اتومبیل خود
را آهسته ببندند و گاز آخر را که نفس اخیر
موتور است برای میدانها و بولوارهای وسیع
بگذارند و صدای پا را ملایم و خفیف کنند
و حتی پس از ساعت ده شب شر شرآب شیر
ها را نیز راه نیاندازند . رادیو را بطور
خفیف بصدا درآورند و یا با گوشی های مخصوصی
صدای آنرا مخصوص گوش شنونده نملیند و از -
انتشار آن بدیگران جلو گیری کنند و از مزاحمت
دیگران مانع شوند . بر واضح است که ترک
پذیرائی دوستان و منسوبان در داخل عمارات
و اجتناب از تجمع زیاد در اطاقهای کوچک
که غالباً از سه در سه تجاوز نمیکند همه
از راه پیروی از نظام عمومی و زندگی محدود
و محصور غربی است ولی بهائی ایرانی با
عادات هزار ساله خود اکتفا بخود و عیال
و عائله ندارد از زوایای شهر مهاجرتی خود
بلکه از قراء و شهرهای مجاور و هموطنان مهاجر
را بخوان گرم گرم خویش میخواند و بآداب -
مهمان نوازی ایرانیان که از خصلت های بسیار
پسندیده است از ساز و ظنبور و صفحه های -
آواز و تصنیف قدیم و جدید ایرانی و نوارهای
موسیقی الکتریکی نواهای دلکش سه گاه و چهارگاه
و ابوعطا را بصدای بلند سرداده دماغ جانرا

آنچه ذکر شد با اوضاع دیگری که از قرائت این شرح حدس میتوان زد از مشکلات راه تبلیغ برای مهاجرین است .

اشتغال مهاجر بکارهای محلی و تجارت - های عادی نیز محتاج ب مطالعه و مذاقه دقیق است چه بسیار واقع که در نظر اول کسی - سا تجارنی مدوح و با نتیجه و مفید بنظر میرسد در صورتیکه تجربه و عمل ثابت کرده که نه تنها مفید نبوده بلکه منجر بضررهای شگفت مادی و اخلاقی گشته و گاهی اعتراض و آشفتگی و رقابت ها و حسادات ها و تحریکات زیاد محلی ایجاد نموده است . در این مقام باید علاوه نمود که شوخی های ایرانی اگرچه بسیار مفرح و سرای مالمسبند است ترجمه آن بالسنه خارجی مشکل و گاهی ممتنع میباشد و حس لطیفه گوئی و لطیفه فہمی در سلسل مختلفه تفاوت زیادی دارد چه بسیار واقع که مزاحی شیرین در نهایت حسن نیت از طرف ایرانی با خارجی بمیان میآید که خارجی نه تنها آنرا درک نمیکند بلکه از آن سو نیت یا توهینی نسبت بخود احساس مینماید و نیز تلاوت مناجاتهای مفصل فارسی و عربی بالحن های مختلف و گاه از طرف تمام افراد عائله یکی بعد از دیگری برای خارجانی که ابدامعنای آنرا درک نمیکنند خسته کننده است . اگر موفدی پیش بیاید که با اصرار تلاوت مناجاتی را یاران غرب از بهائی شرقی آرزو کنند بهتر است همواره این نکات مورد نظر باشد و بیک مناجات آنهم مختصر اکتفا شود . مذاکره بزبان عذہالبیسان فارسی در مجلسی که حتی یک نفر خارجی باشد نیز خلاف رعایت نزاکت است زیرا زبان کشور همه جا باید تقدم داشته باشد تا خارجی تصور نکند مطالبی مورد بحث است که از او پوشیده و پنهانی است و احیاناً در باره خود اوست .

اما تبلیغ و انتشار پیام ملکوت - که مقصد اصلی و نیت بدوی هر مهاجر منقطعی است علاوه بر مشکلات فوق الذکر از داخل و خارج با موانع عظیمی مواجه است : در مورد دنیای خارج در این باره باید گفت که چنانکه جمال اقدس ابہی در - الواح شتی فرموده اند وجه عالم متوجه بترك دیانت و انحراف از تعالیم آسمانی و تبری از روحانیات و موازین الهی و تشبث بشئون مادی این دنیای فانی است و این موضوع روز بروز شدت و اهمیت خود افزوده بنحوی که الیوم در کلیساهای عظیم مزین و مجلل پر رونق و سرمایه دار ادیان با همه تشبثات و تشویقات روسا - قلبی از اهالی که اکثریت آن از پیران است حاضر شده بقیه در فرار از دین بقدری ساعی و جاہدند که تعلیمات طفولیت و تلقینات اقربا و مادر و پدر از سنین کم با همه نفوذی که - دارد و لوح ضمیر را مجبور بر تبعیت آن میکند بکی در جمیع اعیاد و ایام مخصوصه از توجه بدعا و نماز و نیازمندان دارند قسمتی از این تحاشی را البته باید پای خرافات و تعصبات و اوهامی گذاشت که در جمیع ادیان تدریجا بر اساس دیانت افزوده شده و فکر علی و روشن امروزه علیه همه بحق مقاومت و اعتراض دارد .

معینا کلیه همین نفوس مادی و اشخاص عاری از هر توجه و تمسکی باقتضای همین تشویقات اوان طفولیت و بستگی و علاقه ای که از راه مکونیون (تشریفات تسجیل و تثبیت نام افراد در کلیسا) و اعیاد و جشن های مذهبی با کلیسیا پیدا - کرده اند و یا باقتضای تعصب جاهلیه از قبول - دین دیگر و صرف نظرا از تشکیلات مسیحی و حدود و تیود کلیسیا امتناع دارند و بصوت صافورا مرالله گوش فرانمیدهند و با استقرار در علاقجات مادی و اشتغالات دنیوی بقسدری حواس روحانی خود را میرانده اند که حاضر بحضور در مجالس بهائسی

آهنگ بدیع

و استماع پیام الهی نیستند بعلاوه دیسن بهائی را یکی از کُرَبات منشعبه از ادیان شرق میدانند و آنرا تَرِب الخُرَج با دیانت اسلام و از همان مقوله تصور میکنند و سلسله انتقادات و اتهامات منتشره از ناحیه کلیسایه اسلام و اسلامیت و مقام رسالت حضرت ختی مرتبت نه بقدری برداشته است که بتوان آنرا وصف کرد مشهوداتی هکجه فوقاً تشریح شد و از بهائی و معاشرین و افراد خانواده و اولاد دیده اند در احترام آنان از اصفا بیان و اذعان - بحقیقت این دین بی اثر نیست . یکی دیگر از مشکلات عدم فرصت غربی ها است از مرد و زن و بچه هر يك دارای برگزینی هستند که تمام ساعات روز را گرفته است و روز یکشنبه مخصوص تنظیفات و تفریحات است و از برنامه نه میخواهند و نه میتوانند عدول کنند . اینها باختصار اشکالات تبلیغ ^{از جنبه} افراد غیر بهائی است اما مواعینی که در ره تبلیغ از جنبه فرد مهاجر بهائی موجود است نیز باید مورد بحث و دقت قرار گیرد .

در مرحله اولسی باید مجهز بودن افسراد بهائی را جهت تبلیغ در نظر گرفت تجهیزات نیز متنوع است قسمتی مربوط بعلم و عرفسان و اطلاع بهائی از موازین امری و تاریخ بهائی است و چون مزیت و ارجحیت آئین نازنین و - خصوصیات اصول و مبادی عمومیه دریه که بسر طبق دستورات مبارکه باید از سنین اولیه - زندگی در روح و جسم افراد نافذ و جایگزین باشد اطلاع برادله و سراهین و نبوات و اخبارات کتب مقدسه و جواب اوهام و زم نفوس در مورد موعود کلی عمومیه الهی البته ^{در} این جمله با تلاوت آیات و مطالعه کتب و بینات حاصل شدنی است .

اما تجهیز دیگر که اصل است و جمیع شئون دیگر طائف حول آن میباشد تخلق باخلاق

رحمانیه و توجه بمبادی سامیه در زندگی یومیه است توجه از قول بفعل و از گفته به عمل یگانه وسیله جذب نفوس در این جهان پر آشوب است اخلاق و اطوار و رفتار روزانه شخص مهاجر و خانواده او از هر وسیله دیگر برای جذب و توجه نفوس موثرتر است دستور کلی بهائی این است که الیوم خروارها قول با يك مثال عمل برابری نتواند کرد . انصافاً اولیای امر بهائی در تربیت و تهذیب نفوس و تحریص و - تشویق بتخلق با اخلاق رحمانیه بقدری تاکید و تکرار فرموده اند که حاجت بدرج مستخرجات از بیانات - نیست تبلیغ در این دور نورانی با عمل است نه با قول . اگریت نفوس در این ایام بوسیله جرائد و مجلات و رادیوها و تلویزیون ها و ^{سینما} ها و کتب تالیفی جدید بقدری مطلب خواننده و شنیده و دیده اند که نمیتوان بصرف قبول و بیان جلب توجه و دقت آنانرا نمود ولی از طرف دیگر انحطاط اخلاقی کریمه و ملکات فاضله در نتیجه توجه بمادیات و حضور در سینماهای غیر اخلاقی و قرائت مطبوعات غیر مناسب بقدری شدید و متداول است که يك عمل بساک و يك خلق و خوی رحمانی فوراً جلب نظر و توجه عمومی میکنند .

از تجهیزات دیگر بهائی مهاجر خضوع - است از خود گذشتگی و فداکاری است ترك انانیست و خود خواهی است اشتعال بنار محبت الله است زینت یافتن به صفت الله و زدودن رنگهای دیگر است تمسك بحبل المتین دین است اطاعت از - مقررات و موازین است عمل با حکام در نهایت وقار - و سکون است ترك تظاهر و روی و ریاست و رعایت شئون صدق و صفات جنب از تعصب و عدم تعلق بشئ مادی است . اگر ما چنانکه امر صریح است صبح و عصر همه روزه بتلاوت کلمات دری و آیات با همرا این ظهور بر نور عادت کنیم یقین است که نفوذ دنیای خارج در ما بی اثرمانده و روح و جسممان تدریجاً بصیقل ملکوت آب و رنگی خواهد گرفت بنحوی که

آهنگ بدیع

برای اهل ارضود رصاحت عباد لوجه الله مشورت نمایند چنانکه در امور خود مشورت میکنند و آنچه را که ممتاز و مرغوب است اختیار و انتخاب نمایند این است حکم خداوند عزیز بخشنده " اگر روح مهاجر بهائی برای تعالیم الهی باشد کاملاً مهیا و آماده حضور در چنین محضرانوری است و الا اسفاً بر اوضاع امری آن نقطه خاصه اگر خارجانی نیز در این محفل عضویت داشته باشند از لوازم قیام باین مقام همان دستور حق است که آنچه اراده الله است اخذ کنند کیم هستی کوچک و محدود و آمال ناپایدار و افکار بیعایه خود را فروریزم و از تحف و هدایای ملکوت جسمانیات و روحانیات خور را برنگ بیرنگی ملکوت در آوریم چه شیرین میفرماید ملای روم در این باره :

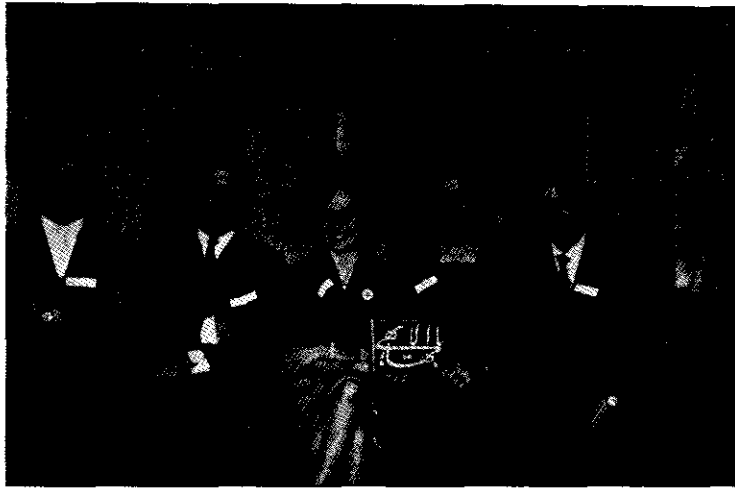
صنعت‌الله چیست خم رنگ هو
بیس ها یکنگ میگرد در او
چون در آن خم افتد و گویش قم
گویدت بیشک منم خم لا تکم
چون شول آهن ز آتش سرنخ رنگ
بس انا النار است لافش بید رنگ
شد ز طبع و رنگ آتش محتشم
گویدت من آتشم من آتشم
آتشم من گرتورا شک است وطن
آزودن دست خود بر من بزن
آتشم من بر تو گر شد مشتبه

روی خود یکدم بروی من بنه
مهاجر بهائی ایرانی بالاخص در بلاد غرب
با نظر بسیار دقیق مزوج با انتقاد دیده میشود
ایران مهد این آئین نازنین است و سراسر تاریخ
بهائی ملو از دلاوری ها و زخودگذشتگی های بر
جسته و بی مثیل پیشینیان و متقدمین ما هر که
در غرب تاریخ نبیل و گاد پاسزبای را بقلم -
توانای ولی محبوب امرالله خوانده چنان مجذوب
و مفتون انمار طیبه طاهره که از شجر امر در اقلیم

انظار جهانیان از راه حرکات و سکنات همه جا
بسمت این آئین نازنین متوجه شود مثلاً گنساب
مستطاب اقدس که در این دور اعظم ام الکتاب
است میخوانیم " دعوا معندکم وخذوا معندالله
کذلک یا مرکم مطلع الوحی فی هذا اللوح المسطور طوسی
لنفس بذات ما ارادت و اخذت ما اراده الله المهیمن
القیوم " و اگر چه خوانندگان محترم آهنگ
بدیع جملگی با کلام حق آشنا هستند و بمبانی
عربیت عادت دارند ولی برای کسانی که شاید درست
متوجه مقصود نباشند مضمون بیان مبارک بفارسی
درج میشود : حق جل جلاله میفرماید " آنچه نزد
خود دارید واگذارید و آنچه نزد خداست بدست
آرید . مطلع وحی الهی در این لوح چنین میفرماید
خوشا برای نفسی که آنچه برای خود بخوهد تترک
کند و آنچه را حق اراده فرموده اخذ نماید " اگر نفسی
الجمله باین شعار واقعی فرد بهائی که امر اکید است
عامل باشیم حجابات نفس و هووی و پروادات خود
خواهی و ریای و طلب لذت نفس و جستجوی جاه و جلال
و تجلیل خود و تذلیل دیگران بالمره در
نظر ما اوهام و افکاری خواهد آمد که لایق ذکر نبوده
و اثر و نتیجه ای نخواهد داشت چه بسیار واقع که شخص
مهاجر در نتیجه هجرت برای دفعه اول بعضویست
محفل محلی یا محفل ملی انتخاب شود یعنی
بغشته خود را در محضر اله مشاهده کند قلم اعلی
در باره این مقام میفرماید " ویرون کانهم یدخلون
محضر الله العلی الاعلی ویرون من لایرون وینبغی لهم ان
یکونوا امانا الرحمن بین الامکان و وکلاء الله من علی
الارض کلهما ویشاورونی مصالح العباد لوجه الله کما
یشاورون فی امورهم ویشاوروا ما هو المختار کذلک حکم
ربکم العزیز الغفار " مفاد بیان حق اینست که
اعضاء بیوت عدل خود را بچشم باطن در محضر
خداوند علی اعلی مشاهده میکنند و ذات غیب لا
بیرون بی بینند برای این نفوس سزاوار است که
خلق امانا رحمن باشند و وکلاء خداوند -

بر تمکین ایران نمودارش میگردد که توقعاتش از فرد بهائی ایرانی که خلعت مهاجرت نیز پوشیده بیحد زیاد است هر چنین مقامی اگر خدا ناکرده شئون محدود و نالایقه که از خصائص تعلق بعالم ترایی است در نفوس پدیدار شود صورت خود خواهی و فضل فروشی و انانیت و رقابت و حسادت و تزییف رای دیگران و مزیت طلبی و رجحان خواهی بخود گیرد ضربت های مهلکی بر گیاه های ضعیف و لطیف که در جو بیار امرالله بصورت افراد تازه تصدیق و حتی متقدمین بهائی غربی روئیده اند وارد میشود بنحوی که ایمان^ی تشبث آنها لطمه دیده انعکاس این شئون در خارج اثرات مهمی در اقبال نفوس دیگر بشریعه الله خواهد داشت ملاحظه فرمائید قلم معجزشیم مرکز میناق بچه رنه های ملکوتی ما را دعوت میفرماید : " بهائی را به صفت شناسند نه باسم و بخلت بی برندنه بجسم یعنی چون شخصی یابند درگفتار رایت - توحید و در رفتار جوهر تجرید و در کردار حقیقت تقدیس فریاد برآند که این بهائی است اگر چنین شویم نورمیین در جبین بتابد والا و اسفا علینا ما فرطنا فی جنب الله " و ولی امر محبوب میفرماید " هر نفسی که خود را بشیم و خلل تقدیس و تقوی^ی مزین ندارد او بهائی حقیقی نه ولو آنکه باین اسم موسوم و موصوف و معروف " در ممالک غرب چنانکه از قبل گذشت تبلیغات دامنه دار احزاب^ی دینی و غیر دینی از حد تصور خارج است نفوس برجسته پرفسورهای - بزرگ علمای مهم روابط اجتماعی و شئون روحی این نطقها و تبلیغات کثی را که دائما بوسائل مختلفه رادیو و جزوات و تلویزیون و جرائد و مجلات منتشر میشود اداره میکنند گوشها از تقریرات پرفصاحت و چشمها از ظرافت های پر ملاحظت پراست . تنها چیزی که از هان را شوجه میسازد و افکار را جلب میکند ملکات حسنه^ی مدوحه است که امروز در دنیای خارج امر بهائی محدود است زیرا تمسک دینی از

میان رفته و توجه بمادیات فزونی یافته است . آنچه مبلغین قدیم و جدید ما میگفته اند و میگویند که شما باصل دین ناظر باشید و باعمال مومنین توجه نکنید امروزه مسموع نیست زیرا اصل ادیان همه مروج حرکات و صفات ملکوتی است منتهی قدرت کلمه الله تنهادر این آئین نازنین در این ایام موجود است و مردم بی آن میگردند و منتظر مشاهده آن هستند . بین یاران غرب حضرت مولی الوری مرکز میناق نیر آفاق روح الوجود لوحده الفدا بسمت مثل اعلی و نمونه برارنده و حی و زنده تعالیم و دستورات امر بهائی معروفند و این حقیقت مسود ازعان مادر شرق نیز هست پس در عالم بهائی باید انتظار دوخته بسجایاو رفتار حضرت مولی الوری باشد سالها قبل از صعود مناجاتی از قلم مرکز میناق نازل شده که در بدایت آن بخط مبارک مرقوم است که هر که بنهایت تضرع و ابتهال این مناجات را بخواند حکم ملاقات دارد . پس از صعود این مناجات در عالم بهائی بجای زیارت نامه مرقوم نور حضرت عبدالبهاء انتخاب شده ملاحظه فرمائید در این کلمات دریات که سطوت ملکوت از هر سطر آن - ساطع است و حکایت از حیات پربرکات مبارک میکند چه میفرمایند قوله العزیز " . . . ای رب انسه عبدك البائس الفقیر و رقیقك السائل المتضرع الی سیر مبتهل الیک و متوکل علیک متضرع بین یدیک بنادیک و یناجیک و یقول رب ایدنی علی خدمه احبائک و قونی علی عبودیة حضرت احدیتک و نور جبینی بانسوار التبعد فی ساحة قدسک و التبطل الی ملکوت عظمتک و حقتنی بالفناء فی فناء باب الوهیتک واعنی علی المواظبة علی الانعدام فی رجه ربوبیتک . ایرب اسقتنی کاس الفناء و البسنی ثوب الفناء و اغرقنی فی بحر الفناء واجعلنی غبارانی ممر الاحبایا و اجعلنی فدا . - الارض التی و طئنتها اقدام الاصفیاء فی سبیلک یا رب العزة والخلی انک انت الکریم المتعال . . . " که مضمون بیان مبارک این است : ای پروردگار



1



2

آهنگ بدیع

همه جا موجود است لسان تبلیغ چندانکه باید تا فند و موثر نیست سبب همین امر است و لاغیر و الا -
 بفرموده هیگل میثاق " این فصل ربیع موسم بدیع است و این عصر جدید کاشف حقایق اشیا - از -
 قریب و بعید جهانرا آهنگی دیگر است و اهل عالم را استعداد فرهنگی دیگر حقایق اشیا دمدم از سر پرده خفا مانند شاهد دلبرای عرض لقا مینماید و شمس حقیقت بر روشنائی روز بروز میافزاید و - کمالات انسانیه در کمال آرایش جلوه مینماید " حیف است که رنگهای عارض شخصیت های نارسا و ناجور ما حجابی بر این استعدادات اندازد و مانع از ظهور حقایق اشیا از بطن پرده خفا گردد چه خوب میفرماید لسان الغیب حافظ شیراز در این مقام :

بر در میخانه رفتن کار یکرنگان بود
 خود فروشان را بکوی میفروشان راه نیست
 هر که خواهد گویا و هر چه خواهد گو بگو
 کبر و ناز و حاجب و دربان در این درگاه نیست
 هر چه هست از قامت نا سازی اندام فاست
 ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

شهرالرحمه ۱۱۷ بدیع
 تیرماه ۱۳۳۹

ای پسر کنیز من اگر فیض
 روح القدس طلبی با احرار صاحب
 شو زیرا که ابرار جام باقی از کف
 ساقی خلد نوشیده اند و قلب
 مردگانرا چون صبح سادق
 زنده و منیر و روشن نمایند .

کلمات مکنونه

این است (اشاره به بیکل مبارک) بنده درمانسده فقیر تو و زرخید نیاز مند پرتضرع و اسیر تو که بتو مناجات و توسل نموده در بارگاه تو گریان است و تو را میخواند و تو نالان است و میگوید ای پروردگار مرا بر خدمت احبابی خود تائید فرما و بر بندگی حضرت احدیت خود تقویت کن و پیشانی مرا بنور انیت بندگی در ساحت قدس گریه و زاری در ملکوت عظمت منور فرما و در فانی شدن در درگاه احدیت و الوهیت خود ثابت قدم فرما و در محویت در دستگاه ربوبیت خود کم نمان . ای پروردگار
بمن جام فنا و نیستی بنوشان و ردا محویت بیوشان
و مراد در ریای نیستی غرق کن و گردی در عبور گاه
یاران خویش ، نوا فدای سرزمینی کن که برگزیدگان تو بر
آن در سیل تومضی نموده اند ای پروردگار عزت و رفعت توئی کریم و متعالی

ملاحظه فرمائید نفس مقدسی که بفرموده ولی امر محبوب سر وجودش در دروسهای هرگز مفهم و معلوم نخواهد شد فرع منسحب از اصل قدیم مبین کتاب رب کریم کسی که حضرت ولی امر محبوب طی می و شش سال دوره ولایت خویش همواره توقیعات خود را بکلمه (بنده آستانش) مزین میفرمود و خود را بنسده آستان حضرت عبدالبهاء میخواند از درگاه الهی طلب نیستی محض و محویت بحت میفرماید و آرزو میکند که گرد راه احباب باشد و فدای سرزمینی شود که بر برگزیدگان خدادرس سیل خدمت بر آن قدم گذاشته اند حال ما عباد که هستی خود را بتوجه و عنایات او مرمونیم معلوم است که تا چه حد باید از انانیت و تجلیل خود دور و مهجور شویم چه که او مثل اعلی است و ما بندگان پینوا او مولی الوریست و ما عبد ذلیل غلیل پرتقصیر و خطا ردا محویت و فدا - خلعت ملکوتی برای یاران الهی است و ترک تظاهر و ریا و تصنع و کبریا اول وظیفه حتمیه را کین سفینه حمره زیرا این اصل شرط اولیه اثبات حقیقت و صمیمیت ایمانی است و یگانه وسیله برای جلب انظار عالمیان و اگر با وجود طلب و عطشی که در نفوس

وحدت عالم انسانی (۴)

بقیه ارزشماریه قبل

شيفته و دل داده تعاليم و حقايق روحانيه عاليه آن منجي اسم شدند و کمال ميل و رضاه رسبيل محبت آن محبوب بيهمتا و برای استقرار صلح و اتحاد در انجمن عالم بمشهد قرباني و فدا شتافتند و بخون خود آيات توحيد نگاشتند و به حقانيت و اصالت و قهاريت اين آئين نازنين و جامعيت مبادی ساميه اهل شهادت دادند و جمعی ديگر بعشق آن معشوق حقيقي و واقدم استقامت کوهها و صحراها و شهرها را پيموده ندا با مر بها در دادند و نفوس مستعده را بشريعه عزاجدي فرهنگ گشتند و سيف حکمت و بيان و دليل و سرهان مدائن قلوب را فتح نمودند و برخی نیز با نثار درهم و دينار و گذشتن از مال و منال و عزت و لذات دنيوی بر نصرت امر عزيز الهی پيرداختند . امروز نیز که بارافه نافذه الهيه و مجله دات خستگي نا پذير ستايندگان اسم اعظم پرچم يا بها الابهی در قارات خمه عالم باهتر از آمده جمعی دل داده و باخته ندای محبوب دل و جان را اجابت نموده بنقاط و ممالک و جزائر بعیده و صحساری سوزان و مناطق سرد سیر قطبي مهاجرت کرده و جم غفیری از پيروان اديان و اقوام و ملل مختلفه عالم را بدخول در ظل ظليل اين آئين نازنين فرا خوانده اند و عده ای ديگر خدمت در تشکيلات منظم محلی و ملی و بين المللی بهائی و تقويت و تحکيم اساس آن که طليعه ظهور نظم بدیع جهان آرای الهی و از عوامل مهم و موثر استقرار وحدت عالم انسانی است قائمند و اکنون که جامعه جهانشی بهائی در نيمه راه جهاد کبير اکبر روحاني است تمام کوششها و مجاهدتهاي جمهور اهل بهادر

سراسر دنيا مصروف آنست که تا بايان نقشه اهداف عاليه آن که بنا بارافه مولای محبوب اهل بها تعين و تهيه شده انجام پذيرد و سراز انقضای مدت نقشه بيت عدل اعظم الهی که مرجعی مصلون از خنلای و واضع قوانين و شرائع غير منصوصه و مآلايگانه ملجا و بناه بشر رنجدیده است درجهان مستقر شود و قدی خطير و مهم در راه وصول بوحدت عالم انسانی و اتحاد بين المللی برداشته شود . بنا بر اين ملاحظه ميشود که کوششها و مجاهدتهاي مجاهد فی سبيل الله در زمينه های مختلف و فتوحات و انتصاراتی که بدون وقفه نصيب بندگان آستان جمال قدم و جامعه جهانی بهائی شده و ميشود خود بزرگترين و مهمترين وسيله برای وصول به هدف عالی و مقدس اين آئين دلنشين يعنی وحدت - عالم انسانی ميشود .

هدف زندگی يك فرد بهائی - ما اهل بها
بصرف فضل و عنایت جمال اقدس الهی در ظل شرف بیضائی مستظلم که هدفش تاسيس وحدت - عالم انسانی و اتحاد من علی الارض ميشود و بخوبی ميدانيم که برای وصول باين هدف عالی و مقدس چه بلايا و رزایا و چه جانبا زها در طول يك قرن تحمل شده است سينه مطهر طلعت اعلی هف گلولة های اهل جفا گرديد و جمال مبارک مدت چهل سال در هردي ظلم و جفائی و اذيت و بلائی دیده از شهری بشهری سرگون و مسجون شده اند . ايام حیات مبارک مرکز میثا قاصر بها بعسرت و غربت و سرگونی و تحمل سبیری گشته و حضرت ولی مقدس امرالله ۳۶ سال حیات مبارکشان را قدا و قربانی فرموده اند و همچنين

جم غفیری دلدادنه و شیدائی جمال و کمال معشوق حقیقی بکمال میل و رضامیدان قربانی و فدا شتافته و در نهایت سرور و اشتیاق از سر مال و منال برخاسته اند و در ره محبوب دل و جان خود تدم انقطاع بر داشته اند . جمیع این بلایا و رزایا و مجاهدتها و فداکاریها و استقامتها در طول تاریخ یکصد ساله امر اعزاعلای جمال ابهی تحمل شده تا عالم انسانی بسه مرحله بلوغ و کمال رسد و ساط او هام و تعصبات و اختلافات درهم پیچیده شود . ضنائن مستور و در قلوب صحو و نابود گردد و عموم افراد بشر بر دین واحد و کلمه واحد اجتماع کنند و وحدت عالم انسانی حصول پذیرد . بسیط غیرا آیتی از جنت ابهی شود و مصداق " و اشرققت الارض بنور ربها " تحقق یابد . با توجه باین توضیحات اینک میتوانیم قضبات کرده و بگوئیم هدف یک فرد بهائی در این جهان ترایی چیست ؟ بدون شك فردی که شیدائی جمال اقدس ابهی شده و طوق عبودیت و بندگی آستانش را طوعا برگردن نهاده و خود را مستظل در ظل شریعت غرای حضرت تشریفشناسد و وصول به هدف نهائی و مقصد عالی این ظهور مبارک را یگانه وسیله نجاح و فلاح و سعادت اهل عالم میدانده فی جز خدمت و جدیت و فداکاری در راه وصول باین مقصد اعلی نمیتواند داشته باشد و در هر مقام و رتبه ای که هست باید بقدر وسع و استطاعت خود برای تحقق این اعظم آمال پیشینیان که سعادت اهل عالم — بدان منوط است تولا و عملا جدیت و فعالیت نموده و قسمتی از نیروی جسمی و روحی و منافع و مصالح شخصی خود را فدای سعادت

جامعه بشری و ترویج وحدت عالم انسانی نماید . حضرت مولی الوری جل ثنائیه در این باره چنین میفرمایند قوله العزیز " . . . مظاهر مقدسه الهیه بجهت ظهور وحدت عالم انسانی مبعوث شده اند و تحمل صد هزار مشقت و بلا نموده اند تا جمعی از بشر احزاب مختلفه در ظل کلمه الله مجتمع و متحد

گشته وحدت عالم انسانی را در نهایت حلاوت و لطفا و ملاحظت در عرصه وجود جلوه دهند . پس بایسد یاران الهی را آرزو چنان باشد که عموم بشر را متحد و متفق نمایند تا از این صهبای داهور و کاس مزاج ها کافور نصیب موفور برند ملل مختلفه را متحد نمایند و شعوب و قبائل متقابله را متحابه کنند . . . یاران الهی از ملکوت ابهی مویده و بجیوشن هدایت کبری موفق . . . "

در این مقام قسمتی از نامه حرم مبارک روحیه خانم را خطاب بجوانان عزیز بهائی نقل نموده و مقال را خاتمه میدهیم و از ساحت قدس الهی رجای تائید مینمائیم (ترجمه) " . . . چند روز قبل شخصی از حضرت ولی امر الله سؤال کرد از نظر فرد بهائی غرض از زندگی چیست هیکل مبارک — جوابی را با و فرمودند برای من نیز نقل کردند فی الحقیقه قبل از شنیدن بیان مبارک از خود می پرسیدم غرض از حیات چیست ؟ آیا هیکل مبارک بآن شخص فرمودند که مقصد از زندگی در نزد ما معرفت الله است ؟ آیا غرض تکمیل نفس است ؟ نسی الحقیقه جوابی را که فرموده بودند هیچ بخاطر من نمیگذشت جواب این بود که مقصد از حیات در نظر بهائی ترویج وحدت عالم انسانی است زیرا زندگی مانیز بزندگی جمیع افراد بشر وابسته و مربوط است بهائی در پی سعادت و نجات خود نیست بلکه خواهان سعادت و نجات عموم است ما نباید نظرسه خویش کرده بگوئیم " بخود مشغول باش و خود را نجات بده و ما من و ملاذی برای آخرت خود بیندیش " ما باید بگوئیم که زمین بهشت بترین شود و این نظرو — عقیده بسیار بزرگ و جلیلی است حضرت ولی امر الله سپس فرمودند که مقصد ما ایجاد مد نیت جهان آرائی است که باید بنوبه خود در اطوار و حالات افراد تاثیر کند " انتهی

دو مستور
 من مستور تو هم هستی که مست و گویی خشمور
 من مست بی عشقم تو مست می از
 ای بیخبر از عشقی تا چندانست و طنبور
 گوش دل و جان خویش برانگیزی و تیمور
 از حشمت چه کسی وقتند چنگیز و کی و تیمور
 بنگر که کیبا رفتند چنگیز و کی و تیمور
 از دیده ما بینی گر طلعت یار ما
 بیگانه زخود گردی ای زاهد از خود دور
 سرخیل صفا هستیم از جا و ما مستی
 بوخشنه دلان بائیم چون مرغی از کافور
 بر درگاه کس ما را کی روی نیاز افتد
 در کوی بهاء حسیم افتاده بی چون مورد
 بیخبر نوای عشق از "طلعت" وای کی نیست
 از نیش ملاخسرا کما مدجو ده زنبور

سرکار خانم دکتر طلعت
 بصاری (قبله)

زبانکار کیست؟
 ما را درون خانه دل غیر عشق نیست
 پس نیشخند و سرزنش طبعی ز چیست
 ما نقد جان نثار ره دوست کرده ایم
 او در حساب سود ده و سید و دوست
 ما را بهشت و کعبه بود خاک راه یار
 حاجت بطی مرحله و زاد و توثر نیست
 ای برنشته مست بر اسب ریا و کبر
 نوسن نگاهدار و دی گوشده بایست
 تو در بی فریبی و ما محو روی دوست
 ای بیخبر گوی زبانکار کیست کیست؟

سپه‌مان عزیز ما

در یکی دو ماه گذشته
سپه‌مان عزیز بی
ایران آمدند که در -
عالم امر دارای شخصیت
بین‌المللی میباشند که
شرحی از مسافرت
آنان زیلا بنظر
خوانندگان عزیز
میرسد .

ایادی امرالله جناب جلال خاضع علیه بها^۱ الله عضو هیئت مجلله
ایادی امرالله مقیم ارض اقدس روز ۲۳ مرداد بطهران وارد شدند
و در مدت دو ماه اقامت خود در ایران بجز طهران بصفحات
مازندران و خراسان - آذربایجان شرقی و غربی - اصفهان - فارس و -
خوزستان مسافرت های متوالی نمودند و در نقاط مختلفه با اجسای الهی
ملاقات و در مجامع و محافل متعدد طی بیانات مؤثره دوستان حضرت
رحمن را به تمسک بعهد و میثاق و اجرای وظائف حتمیه وجدانیه
و انجام واکمال اهداف نقشه جلیله دهساله تشویق و تحریص
نمودند .

در ملاقاتی که با ایشان دست داد تقاضا شد اطلاعاتی درباره
بیشرفت امر مبارک در اقطار مختلفه جهان برای اطلاع خوانندگان
عزیز ما بیان نمایند :

در جواب گفتند با تأییدات لانهایه جمال اقدس ابهسی و -
حضرت مولی الوری و عنایات خاصه حضرت ولی امرالله او احنا لهم الفدا
روزی نیست که هیئت ایادی امرالله مقیم ارض اقدس از گوشه ای
از جهان خبر فتح نقطه بکری یا بشارت جدیدی که حاکی از پیشرفت
و تقدم امر مبارک باشد دریافت ننماید و راستی باید باشاعر
هم آواز شد که میگوید :

ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار

فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست

آنچه که میتوانم بشما بگویم مختصری است که بکمک حافظه خود
باطلاع شما میرسانم و احصائیه رسمی بشارت و انتصارات قریب
طی پیام هیئت ایادی امرالله منتشر خواهد شد .

در قاره مشتعله افریقا امر مبارک بنحو عجیب و بی سابقه ای در -
انتشار است و میانی که دوسه سال و حتی یکسال بیشتر نیست که مومن
شده اند خود به هدایت هم جنسان خود پرداخته اند

ع - صادقان



امریکای مرکزی و جنوبی و مساعی عزیمت نمودند و محفل روحانیه و مهاجرین را برای تحقق اهداف باقیه و فتح نقاط جدید هدایت نمودند تا اینکه خوشبختانه عده مراکز امری در امریکای لاتین برای تشکیل ۲۱ محفل ملی کامل گردید و بعون الله تعالی در امریکای لاتین عده لازم محفل ملی تشکیل خواهد شد که از اعمده بیت العدل اعظم محسوب میشود. در این قاره مساعی بومیان تازه تصدیق برای هدایت هموطنان خود غیر قابل انکار است و کمک های ذیقیمتی به تحقق اهداف باقیه نموده اند.

در جنوب شرق آسیا و ناحیه پاسیفیک نیز وضع بهین منوال است و امر مبارک بسرعت در پیشرفت و تقدم است. بدآور کلی آنچه میتوان گفت امر مبارک در سه ناحیه از جهان (افریقا امریکای لاتین و جنوب شرق آسیا) بنحو فوق العاده ای در میان قبایل و مردم بومی این نواحی نفوذ کرده و تبلیغ دسته جمعی بوسیله مهاجرین و مومنین بومی سیاه و سرخ و اسمرکه در

و بیجان قبایل و در داخل جنگلهای مخوف و صحرا های سوزان افریقا بسیر و سفر میپردازند. نکته قابل توجه اینست که غالب مومنین بومی افریقا فقیر بوده از مال و منال دنیائی بی بهره اند و پس از ایمان بامر الله بنا به بیان مبارک بازاد و توشه توکل و انقطاع در نهایت خلوص به تبلیغ سایر بومیان میپردازند. و چون غالباً هیچگونه تعلق مادی ندارند در اینراه کوچکترین تاملی را جائز نمیدانند. پیشرفتی که امر تبلیغ در این سرزمین که در عرف سایرین به (قاره سیاه) و باصطلاح مبارک (قاره مشتعل) معروف گردیده کرده است عجیب و باور نکردنی است. برای مثال متذکر میشوم که از بدو شروع نقشه یعنی از سال ۱۹۵۳ تا امسال (۱۹۶۰) فقط در کشور بوگاندا ۱۱ هزار نفر تسجیل شده اند و شما میتوانید سایر ممالک این قاره را که از نظر روحانی پربرکت ترین قارات جهان بشمار میرود با این کشور قیاس کنید. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. از نشریات (قاره جدید) سؤال شد جواب دادند در بهار امسال ایادی امرالله امه البها روحیه خانم حرم مبارک سفر بر برکتی به امریکا نمودند و در مدت توقف بمیان قبایل سرخ پوست مسافرت کردند و مبادی سامیه الهیه را مستقیماً با آنان ابلاغ نمودند. ایشان در این مسافرت در بیست مرکز بایراد کنفرانسهای تبلیغی برداشتند که تاثیر عظیمی داشت و عده کثیری بامر مبارک متمایل شده اند و در هر محل مسافرت و کنفرانسهای ایشان در مطبوعات و رادیو و تلویزیون منعکس میشود و موجب محرفی و اشتیاق امر مبارک میگردد. حرم مبارک در مراجعت از این مسافرت خیلی خوشحال بودند.

چهار نفر از حضرات ایادی امرالله (جناب دکتر جیاگری - جناب خادم - جناب دکتر گروسمن و جناب ویلیام سیرز) علیمهم بهاء الله بسسه

نامیده میشود رواج دارد و مصدای آیه مبارکه و یوم یدخلون فی دین الہ افواجاً ظاهر گردیده است . البته بایستی متذکر شد که تاسیس محافل جدید و اعزام مبلغین احتیاج به مبالغ و فیره دارد که بایستی احبای سراسر جهان مخصوصاً کسانی که نتوانسته اند بمهاجرت بروند بپردازند و نیز قسمتی از آن طبق تصمیم هیئت ایادی امرالله از مرکز جهانی از محل حقوق الله پرداخت میگردد و احبائی که حقوق الله تقدیم مینمایند بایستی بدانند که در اجرای اهداف - عالیہ جہاد کبیر اکبر روحانی شریک و سهم مسی باشند .

درباره ساختمان مشارق اذکار فرمودند ساختمان دوشمق الاذکار (کامپالا و سیدنسی) در شرف اتمام است و اجازه ساختمان مشرق الاذکار فرانکفورت هم تحصیل گردیده و بزودی حجر زاویه (اولین سنگ) آن نصب شده ساختمان آن شروع خواهد شد بمونواله تعالی تا قبل از اتمام نقشه باتمام پیرسسد % باید دانست هیکل اطهر نلت مخارج این مشارق اذکار را شخصاً تقبل فرموده اند ولی دوثلث بقیه مخارج به عهده احباست که بایستی تمیبه و تقدیم نمایند .

در باره انجام اهداف اروپا فرمودند برای تشکیل ۱۱ محفل ملی که بایستی در - رضوان ۱۹۶۱ تشکیل شود اعزام ۱۸۰ مهاجر و تشکیل ۲۷ محفل روحانی محلی لازم است که احبای ایران میتوانند با مشورت و صلاحدید لجنه مربوطه به ممالک اسکاندیناوی (سوئد و نروژ و فنلاند) و کشورهای بنلوکسر (هلند لوکزامبورگ) و دانمارک و ایتالیا و اسپانیا و بر تقال مهاجرت نمایند . و کسانی که بنا به علی نمسی x ساعت ۱۱ روز ۲۰ نوامبر ۱۹۶۰ وسیله ایادی امرالله امیلیا کالینز که نمایند ه هیکل اطهر در کنفرانس آلمان بودند نصب میشود .

توانند باین امر خطیر قیام کنند بنا بامر مبارک بایستی به صندوق اخذ وکیل مستمرا کمک نمایند تا از محل این صندوق مهاجرین به محل های لازمه اعزام گردند تا با امدادات غیبیه الهیه بقیه اعده بیت عدل اعظم مرتفع گردد .

ایادی امرالله جناب خاضع درباره احبای ایران فرمودند : هیکل اطهر همیشه احبای ایران را (احبای عزیز و مستمدریده) خطاب می فرمودند و جای بسی خوشوقتی و مباهات است که اگر با قطار شاسعه ارض مسافرت بکنیم میبینیم که بحمداله احبای هموطن جمال مبارک علمدار اعلائی کلمه الله در نقاط مختلفه هستند و به هر جارفته اند موئس و بانی تاسیسات امریه بوده خانه های خود را مرکز اجتماعات امری قرار داده مازانشان بروی مسافران و میهمانان بهائی و غیر بهائی همیشه باز بوده و هست و حضرات ایادی امرالله در - مسافرت های خود این نکته را دریافته و تحسین و تقدیر نموده اند . همانطور که در صدر امر احبای ایران هیچگاه از نذل جان و مال در راه الهی امر مبارک دریغ نداشته اند اکنون نیز بایستی تبرعات و اعانات کریمانه خود را مستمرانه صندوقهای بین المللی اهداف تقدیم نمایند و اری دیگر فدا کاری و از خود گذشتگی خود را ثابت کنند . ما اکنون باید بدانیم تنها به خانواده و محل خود متعلق - نیستیم بلکه به دنیای امرتعلق داریم و بایستی از کلیه امکانات مادی و معنوی خود برای اعلائی کمال اله استفاده کنیم .

آنچه امروز در درجه اول اهمیت و فوریت قرار دارد اتمام اهداف باقیه جهاد کبیر اکبر روحانی در میقات معین است که در درجه اول با هجرت بدمن و دیار و در درجه دوم تقدیم اعانات و تبرعات برای انجام مشروعات و تاسیسات بین المللی بهائی است که سرانجام منجر به تاسیس مرکز معصوم یعنی بیت العدل اعظم خواهد شد .

نسل حاضر بایستی بدانند در پرورش و تولد
موسسه نوزادی میکوشد که متجاوز از یکصد سال
در رحم امر رشد و نمو نموده اکنون بر حسب
اراده الهیه زمان تولد آن فرا رسیده است .
این مرکز (مضمون از خطا) همان بیت العدل
اعظم و عامل نشر (مدنیت جهانی حضرت بهاء الله)
خواهد بود . و تشکیل اولین و عالیترین مرکز -
جهانی بهائی از افتخارات نسل حاضر است که
در ظل قیادت و راهنمایی عالییه حضرت ولی امر الله
ارواحنا لترتبه الفداء این سعادت نصیب احبای
این دور الهی شده است .

###

میهمانان نفیگر ما ایادی امرالله جناب کالیس
فدرستون و خانم محترمه شان علیهما بهاء الله
بودند که ۱۹ مهرماه بطهران وارد شدند و شش
روز اقامت داشتند و سپس بعزم شرکت در مجمع
سالیانه ایادی امرالله علیهم بهاء الله با رضی
اقدس عزیمت نمودند . بطوریکه احبای الهی -
مطلعند ایشان از ایادی امرالله استرالیا هستند
که جزو آخرین دسته ایسائی امرالله از طرف هیکلن
اطهر باین سمت مفتخر گردیدند . جناب فدرستو
و خانم محترمه شان در سر راه خود از بعضی از -
جزائر اقیانوسیه و پاسیفیک - اندونزی - سنگاپور
برما - سیام - مالایا - رانگون کراچی گذشته در هر
نقطه چند روزی توقف کرده حتی الامکان بمراکز
مجاوره رفته احبای مهاجرو بومی را ملاقات نموده
در مدت اقامت شش روزه خود در طهران طی
جلساتی با عده ای از احباب ملاقات نموده در باره
شرح مسافرت خود و وظایف احبابیاناتی ایراد نمودند .
جناب فدرستون در سال ۱۹۱۳ در شهر
کورن () در جنوب استرالیا در یک
خانواد مسیحی متولد شده اند و در شهر (ادلید)
به تحصیل ریاضیات پرداختند . ایشان در سال
۱۹۳۸ با خانمشان بنام (ماج)

ازدواج نمودند .
این زن و شوهر در سال ۱۹۴۴ در شهر (ادلید)
از امر مبارک اطلاع پیدا کردند . جناب فدرستون
در باره تصدیق خود فرمودند اولین کتابی که
خواندم کتاب مطالع الانوار (تاریخ نبی -
انگلیسی بود هنگامی که شروع بنوآندن آن -
کردم و اوائل آنرا که مربوط به دوره حیات
حضرت اعلی و حروف حی است خواندم چون -
شرح حال طلعت اعلی و مومنین اولیه را بسا
زندگی حضرت مسیح و حواریون شبیه دیدم متوجه
شدم که این ظهور جدید برحق است و اتفاقی -
خانم تصدیق امر مبارک نمودیم .

باری جناب فدرستون و خانمشان پس از تصد
امر مبارک شروع به اعلای کلمه الله نمودند و برای
اولین مرتبه در استرالیا مجالس تبلیغی خانوادگی
که در اصطلاح انگلیسی به جلسات
معروف است تشکیل دادند و نتایج مفیده گرفتند
در سال ۱۹۴۶ با مساعی این زن و شوهر اولین
محل روحانی در شهر (وودویل)
تشکیل شد و ایشان پس از آن در نقاط مختلفه -
استرالیا در خدمات امریه شرکت داشتند تا در سال
۱۹۵۴ به عضویت هیئت معاونت ایادی امرالله
در استرالیا انتخاب شدند و در سال ۱۹۵۷ جزو
آخرین دسته ایادی امرالله از طرف هیکل اطهر
باین مقام شامخ نائل گردیدند .

جناب فدرستون دارای ۵ فرزند (چهار دختر
و یک پسر) هستند و اکنون در جنوب استرالیا
دارای کارخانه فلزات میباشند . ایشان به غالب
نقاط استرالیا و جزایر اقیانوسیه - جزایر اقیانوس
کبیر - جنوب شرق آسیا - جزایر آد میرال - سیام
برما - مالایا - هندوستان - پاکستان - رانگون
جزایر سلیمان - تاسمانی - نیوزلند - جزایر
فیجی - فیلیپین و گینه جدید مسافرت های مختلف
نموده اند و با اعلای کلمه الله پرداخته اند . غیر

از جناب فدرستون و خانمشان سؤال شد آیا پیایی برای احبای ایران دارید؟ جواب دادند: تنها پیام ما به احبای هموطن - جمال اقدس ابهی این است که تا وقت باقی است در اجرای اهداف باقیه شرکت نمایند و این افتخار ابدی را برای خود و اخلاف خویش کسب فرمایند.

چند شماره (آهنگ بدیع) از طرف هیئت تحریریه بایشان هدیه شد با مشاهده آنها فرمودند: با اینکه متاسفانه زبان فارسی نمیدانیم ولی امید دارم نشریه شما علمدار نشر معارف امر بین همزبانان شما باشد و انشاء الله روزی - برسد که نسخه انگلیسی آنرا مطالعه کنم.

در خاتمه تقاضا شد شرحی در دفتر یاد بود بنگارند - سرکار خانم فدرستون این جمله را با انگلیسی مرقوم فرمودند که برای شما نقل میکنم " جوانان امروز بدران و مادران فردا هستند خداوند همه شما را موفق و موید بدارد " و جناب فدرستون ترجمه انگلیسی این آیه از کلمات مکنونه عربی را مرقوم فرمودند ((یا ابن الوجود اذ کن فی ارضی لا ذکرک فی سماء لی تقر به عینک و تقر به عینی))

طهران مهرماه ۱۳۳۹

بقیه خاطرات سفر شمال

... ممالک شمالیه بشدت تاریک است و محتاج چراغی است که بدست امثال شما در آن آورده شود لذا امید وارم شما و یار دوستان دیگر ایرانی شما باز هم باین ممالک بیایید و حامل این چراغ از شرق عالم برای ما بشوید ... دوست شما بسرای ابد . سوان

(انتہی)

از این مرتبه یکبار دیگر سر راه ارض اقدس چند ساعتی در طهران بوده اند .

از ایشان از وضع پیشرفت نقشه در استرالیا سؤال شد - جواب دادند در حدود ۲۸ محفل محلی از اهداف باقی است که بایستی تا پایان نقشه تشکیل شود ۱۰ محفل جدید در ظل نقشه تشکیل شده است . دو جزیره (لویالتی) و (آدمیرال) که جزو اهداف استرالیا بوده اند فتح شده و (گینه جدید) نیز در شرف افتتاح است . در باره ساختن مشرق الاذکار استرالیا فرسوده اند قسمت اساسی بنا تمام شده و اکنون مشغول تکمیل قسمت گنبد و تزئینات خارجی و درهای ورودی میباشند . و پس از آن بسه تزئینات داخلی و مبلان پرداخته خواهد شد و امید است قبل از ماه سپتامبر ۱۹۶۱ که تاریخ افتتاح رسمی است کلیه کارهای ساختمانی و تزئیناتی ام المعابد استرالیا تمام شود و این بنای زیبا که چون نگینی زیبا بر انگشتری سیدنی پایتخت بزرگترین بندر استرالیا بدرخشند و مانند مبلغ - صامتی جالب انظار شود .

از ایشان سؤال شد در طهران چه چیز جلب توجه شما را کرده است . جواب دادند در این مدت کوتاه که در مجمع احبای شرکت کرده ام - این نکته نظر مرا جلب کرد گویا تأکیدات - آکیده مولای اهل بهادائر بر تشنت و تفرق احبای چرا تا کنون عده باین کبیری هنوز هم در طهران اجتماع نموده و چرا به نقاط داخله و خارجه میروند و بطوریکه میدانید این اجتماع احبای در یک نقطه نه تنها به تحقق نوایای مبارکه کمک نمیکند بلکه برای خود احبای مخصوصا جوانان مضر و خطرناک است و با اینکه بارها هیکل اطهر تصریح فرموده اند که این مراکز (عواصم) در خطرات عظیمه هستند چرا احبای هنوز در - تفرق و تشنت تعطل میوزند .

خاطرات سفر شمال

(۳)

بقیه از شماره قبل

داده بود ولی بعد از ورود فانی احباء گفتند که این کشیش از آن وقت عمر جاهی نشیند از این مطلب سخن می گوید و دو جلد کتاب خود را در باره بشارات دانیال برنج ما میکشد مایل بملاقات او شدم چون در محل نبود از یکی از احبا خواهش کردم به او بگویم که دانیال همان کتاب بعد از ذکر این بشارات ذکر میفرماید که - صدائی از عالم بالا بمن گفت که ای دانیال - این کلمات را مخفی دار و مهر بزن و از امروز تا روز نهایت و ظهور مصادق آن ابدا کسی معنای آنها کشف نخواهد کرد و در آن روز نیز باکان آنها درک خواهند نمود حال از دو حال خارج نیست یا در آنروز موعود رسیده است که این حقائق بر تو کشف شده و در کتاب تو آمده در این صورت شخص بهائی صادق است چه او از همه این استدلال هایك مقصد دارد آن اثبات رسید روز موعود است و اگر چنین روزی چنانچه تو - معتقدی نرسیده پس بنا بنص دانیال هنوز - کسی معنای این بشارات را نباید بفهمد و هر چه گفته شود دلیل نادانی است بنا بر این تکلیف دو جلد کتاب تو و محتویات آن معلوم است .

نوع تفکر غالب متدینین اروپا نسبت بشریعت اسلام بواسطه تبلیغات سوء کشیش ها عجیب است چه که اسلام را که تعلیم اساسی آن وحدانیت الهیه است مروج بت پرستی می دانند در دانمارک یکی از احباء برای حذف نام -

رسیدگی میکرد بعد از بازرسی کامل سر خود را بلند کرده گفت عجبا این شتر و تمام اعضای آن همانست که دیروز بود و چیزی از آن کم نشده ولی آن نیروئی که مرا و بار مرا بر خود حمل میکرد کجا است سپس گفتم امروز بعکس اوائل مسیحیت برای - تبلیغ تمام وسائل را در اختیار دارید کلیساها سا زادیوها و تلویزیونها دانشمندان درجه اول ولی چرا توجه نمیفرمائید که چرا جزئی اثری را کسه بلفین ماهیگیر و بی سواد مسیحی داشتند ندارند و چرا مثل آن عرب متوجه نیستید که چیزی از هیکل کلیسا رخت بر بسته است . کشیش مزبور - خواست باز مجادله نماید ولی حاضرین او را - متذکر داشتند که آنها نیز سئوالاتی دارند .

در یکی از شهرهای نروژ چندی قبل از ورود - نگارنده یکی از یاران عزیز و مطلع امردان شهر وارد شده و در جلسه ای که عده ای هشتاد نفری از اهل طلب حاضر بوده اند صحبتی کرده بود و در ضمن صحبت خود مقداری از بشارات دانیال را طبق آنچه در مفاوضات بیان شده تشریح نموده بود ولی کشیش که در جلسه حاضر بوده برخاسته شدیداً اعتراض کرده و گفته بود من عمر خود را در مطالعه بشارات کتب مقدسه گذرانده و در - باره بشارات دانیال فقط دو جلد کتاب - نوشته ام و مطالب شما با هیچیک از مضامین کتب مقدسه راجع به وقت رجعت مسیح تطبیق نمی کند و تفسیرات شما غیر صحیح است آن شخص بهائی البته جوابی که مناسب آن جلسه بوده

مانند اسپریتیسست ها و تئاسفیت هاستند که عده آنها کم نیست . آنها نیز هر يك بدسته های مختلف منقسم اند . اسپریتیسست ها (روحیون) دسته ای هستند که با حصار ارواح عقیده دارند و اساس کار و اعمالشان نیز بر این امر استوار است کتب و آثار زیاد دارند این کتاب ها از زبان ارواحی که احضار کرده اند نوشته شده و در پشت جلد این کتابها نام روحی را که احضار کرد مانند می نویسند و بدین وسیله مطالبی را که یکی از مدیوم ها (واسطه های احضار ارواح) تحریر کرده بنام يك روح بزرگ جلوه میدهند مرکز مهم این گروه انگلستان است نگارنده با عده زیادی از اسپریتیسست ها و با بعضی از مدیوم ها برخورد نموده و اینطور احساس کرده که پیروان این مکتب مردمی سلیم و روحانی و خیرخواهند ولی واسطه های احضار ارواح این اوهمات را چنان در روح و فکر این مردم فرو می کنند که بسختی با شتابه خود می میرند . اسپریتیسست ها بخدا معتقدند ولی بستگی با دیان الهی ندارند و چنانکه میگویند حقیقت را نمی خواهند بصورت فرم و مراسمی در آورند .

اما تئاسفیتست ها که توجه بیشتر آنها به تناسخ است کتب زیادی دارند که غالب این کتب مجموعه حکایات و افسانه هائی است که نقل نموده اند و خواسته اند بوسیله این افسانه ها که از زبان اشخاص مجهولی نقل شده موضوع تناسخ را اثبات نمایند و در کتب آنها ابدا دلیلی برای عقیده آنها یافت نمی شوند و عده ای از دلایل آنها عبارت از داشتن دلیلی و راهی برای بعضی از مشکلات حیات است و همان نداشتن دلیل را دلیل تناسخ می دانند از قبیل اینکه چون ما نمی دانیم چرا بعضی در زندگی حالیه مشکلاتی دارند لذا اگر عقیده داشته باشیم که اینها زندگی قبلی داشته اند و این مشکلات مجازات آن اعمال است

خود از دفتر کلیسائی که سابقا بدان تعلق داشته رفته بود کشیش برای این عمل اظهار تاسف کرده بود و چون شخص بهائی برای او شرح داده بود که مفهوم خروج از کلیسا این نیست که ما مسیحی را نیز از دست بدهیم کشیش گفته بود می دانم ولی بزرگترین خطای شماها عقیده به اسلام است که يك دین بتپرستی است . چندی پیش نگارنده با معلم زبان اسپانیولی خود در اسپانیا صحبت از امر مینمود او گفت آیا شما خدای واحد معتقدید یا به (الله) که خدای مسلمانهاست؟ و نیز يك روز نامه نویس اسپانیائی مقاله ای نوشته بود در شرح حال حضرت رسول اکرم و اسلام که در آن ذکر نموده بود که پیغمبر اسلام قبائل عرب را مغلوب کرد و به آنها گت شما خداهائی را که دارید از آنها دست بردارید و بيك خدای دیگر که من دارم و اسم آن خدا (الله) است معتقد شوید و لحن بیان او چنین بود که الله نیز يك خدائی بوده مثل خداهای آنها و این کاری بود که ملل قدیمه میکردند که ملتی را مغلوب نموده آنها را بعبادت خدای خود مجبور می ساختند .

اعتراضات بر اسلام در جلسات بیشتر بر دو اساس مومس است یکی جنگهای دوره اسلام و دیگر زوجات حضرت رسول . ولی الحمد لله امروزه احبای الهی در تمام ممالک مذکوره که خود قبل از این مردم بوده اند و بحقیقت اسلام در پرتو نور امر مبارک می برده اند کفرانها میدهند و جزوه های نویسنده و اشکالات معترضین را جواب میگویند . و این خود از عجایب زمان ماست که بهائیان در غرب بواسطه حمایت از اسلام مورد اعتراض جمعی قرار دارند و همین عده در شرق به اتهام عدم اعتقاد با اسلام مورد آزار جمعی دیگرند .

معتقدین در مقابل متدینین ارواح عده ای به عقائد فلسفی

آهنك بدیع

مینمایند . دورافتادگی مردم این کشور از محیط اروپا و آنهمه کوههای هولناک آتشفشانی در آن روحیه مردم آن که در عین حال از تمدن عالی بیسر خوردارند چنان اثری اسرار آمیز بجانها داده که کمتر کسی یافت میشود که عقیده بنوعی از اسرار نداشته باشد . مردم این کشور تعصب ملی شدید دارند ولی در عمق روح آنها آمادگی برای تعالیم الهی احساس میشود ولو آنکه چندی خود را بسی اعتنا نشان دهند . این عبد در کشور در ضمن مطالعه کتابی به ترجمه انگلیسی سرود ملی مسردم آن که همه روزه در رادیو تکرار میشود بر خورد که معانی بدیعی داشت این سرود حکایت از آن دارد که تمدن مفرطه اروپا نتوانسته است - صفای باطن ملل را معدوم نماید بلکه در زیر خاکستر خرافات و تعصبات از طرفی و لاتیادی از طرف دیگر شعله حقیقت موقته پنهان و آماده فوران است ترجمه ابیات قسمتی از آن سرود بفارسی چنین است :

ای خدای ایسلندای خدای کشور ما
ما ترا میستائیم ما اسم ابهای ترا می پرستیم
ملائکه قدرت تو و خورشید ها و ستارگان تو برای آسمان
بکمک هم تاجی را می سازند که علامت عظمت و شهرت است
برای تو یک روز در حکم هزار سال است
و هزار سال در حکم یک روز
هر گل کوچکی که بکمال افتادگی می شکند بدین وسیله
ترا تحیت می گوید سپس بزمرده میشود

.....
علاوه بر تئاسفیست ها و اسپیریستیست ها عقائد دیگری که مرتب در اروپا پیدا میشوند موجودند که بعضی پیشرفتی برای مدتی دارند و بقیه زود فراموش میشوند و ظهور این مکاتب روز افزون باعث آن شده که وقتی از امر مبارک صحبت میشود در دفعه اول آنرا یکی از همین مکاتب تصور مینمایند و مدتی طول دارد تا باصالت آن می برند .

مشکل حل میشود ولی معلوم است که قبول عقیده ای ولو آنکه آن عقیده مشگلی را حل کند باید به دلیلی مستند باشد اینست که حضرت عبدالبهاء - در مفاوضات میفرماید که از معتقدین تناسخ باید دلیل خواست و همین روش فانی در موقع برخورد با بعضی از روسای آنها بود . از جمله جلساتی که در این خصوص تشکیل شد در شهر رایکیاویک پایتخت ایسلند بود که در منزل رئیس تئاسفیست ها آنجا قرار یافت . در این جلسه که عده ای از محترمین شهر از جمله یک فیلسوف صاحب نظریه شاعر ملی حاضر بودند بعد از شروع به صحبت نگارنده از شخص مذکور دلیل خواست و تمام دلائلی که ذکر مینمود بسیار کودکانه بود و جواب ساده داشت و صحبت مدتی طول کشید در آخر سر وقتی این شخص از هر دلیلی عاجز ماند گفت فلانی چه میگوئی من خود زندگی قبلی خود را بخاطر دارم کس به صورت گوسفندی از سر اشیبی کوهی بالا میرفتم چون حاضرین را خسته ملاحظه نموده و علاوه ادامه صحبت را بی نتیجه میدیدم مزاحی را جائز شمرده گفتم از تمام مطالب شما این یکی را تصدیق میکنم از این جواب همه حاضرین حتی خود او بجه خنده افتاده و جلسه با محبت و مزاح خاتمه یافت .

تئاسفیست ها و اسپیریستیست ها به نسبت جمعیت کشور در ایسلند بیشتر از نقاط دیگرند و سبب وضع طبیعی این سرزمین اسرار است چه که این کشور سرزمینی است کم جمعیت و تمام مستور از کوهها و صحراهای بی علف و مملو از مواد آتشفشانی که منظره خوفناکی بدان داده است و از طرف دیگر چشمه های آب گرم که بمسورت بخار با فشار از زمین خارج میشود و عده این چشمه های فوار بقدری زیاد است که تمام شهر رایکیاویک گرمای منازل و آب گرم حمام ها و غیره را از این چشمه ها که بطریق لوله کشی و شوقاز تعبیه کرده اند تا مین

آنگه بدیم

خواهند بر دجال نیز مابهایان معتقدیم که امروزه آن طبیب آسمانی وارد شده و همین است تفاوت جمعیت ما با جمعیت شما حال شما تحقیق نمائید اگر صحیح بود فقط کافی است جهت - فعالیت جمعیت خود را تغییر داده و از طریق که این طبیب تجویز مینماید و در نظر دستور او فعالیت فرمائید . چند دقیقه ب فکر فرورفت سپس سر بر آورده گفت آری ماباید آثار بهائی را مطالعه کنیم آنوقت میتوانیم درباره آن قضاوت نمائیم و این کار را من در آینه که فرصت کنم خواهم کرد .

خاطره دیگر از این تبیل در اسلوویا تخت نروژ بود در این شهر منشی محفل ملی شخصی را به جلسه تبلیغی آوردند مردی بود موقر و مسن بعد بنوعی که معرفی شد دکتر در حقوق و از نویسندگان آن کشور بود و خود بوجود آورنده یک نوع فلسفه ای بود که میخواست مسیحیت را در نروژ رنگی از تجدد زده متحد نماید و جمعیتی نیز برای این منظور تشکیل داده بود و دیانت مسیحی از نظر فلسفی بی نگرست اول سئوالی چند از امر بهائی کرد از جمله اینکه آیا این امر یک روش فلسفی یا یک فرقه مذهبی و یا دینی از ادیان الهی است . نگارنده این سه اسم را جداگانه تعریف نموده بعد دیانت بهائی با هر یک از آنها تطبیق کرده اظهار داشت که امر بهائی از این قرار یکی از ادیان الهی است و برای آن باید آینده ای را تصور نمود که برای ادیان الهی پیش آمده است منتهی در محیط وسیع تر و عرصه جهانی تر . او اظهار رضایت از این توضیح کرد سپس برای صرف تمهوه با طسائی دیگر رفتیم و او شروع ب شرح عقیده و مکتب خود بنا بخواهش بنده کرد و نتیجه گرفت که انشاء الله بزودی ایجاد یک اتحاد مسیحی در نروژ خواهیم کرد بعد از اتمام توضیحاتش از او که نامش

بهائیان در ضمن مبتدی ها مرتب به پیروان این مکتب بر میخورند و می دانند که آنها را باید باصالت والهی بودن امر مبارک متوجه داشت . از خاطراتی که نگارنده از ملاقات پیروان این مکتب دارد از جمله اینست که در شهر گوتنبرگ سوئد بعد از یک مصاحبه مطبوعاتی شخصی تلفن کرد که مایل بملاقات است وقتی تعیین شد که با خانم خود آمد خود را استاد ریاضیات در دانشگاه گوتنبرگ معرفی کرد ضمنا معلم شد رئیس جمعیت بین المللی تسلیح اخلاقی در شهر خویش است این جمعیت مردم را از هر طبقه و دینی به جمعیت خود می پذیرند و آنها را با اخلاق نیک و صفای باطن متذکر میدارند و از جمله شعائر آنها اینست که هر روز صبح چند دقیقه ساکت نشسته با خود مشورت مینمایند و با اصطلاح بنسدادی وجدان خود کوش میدهند و آنچه بخاطرشان بگذرد معمول میدارند . شخص مذکور از عقائد خود صحبت کرد و گفت من در روزنامه خواندم که عقائد شما بهائیان نیز بسیار به عقائد ما نزدیک است آیا بهتر نیست که با هم همکاری کنیم در جواب او عرض کردم همه میدانیم که امروزه عالم انسانی بیلایای مختلف گرفتار است و مابهایان دسته ها و جمعیت بهائی را امثال جمعیت شما که برای نجات عالم انسانی از این بلایا تشکیل شده محترم می شماریم و گرای میداریم ولی مطلب دیگر در میان است و آن اینکه وقتی که در منزل شخصی مرض شد البته تمام افراد منزل وظیفه دارند هر یک بنوعی برای دوا و غذا و استراحت آن مرض سعی جمیل مبذول دارند و این مساعی بلاشک قابل تقدیر است ولی این اقدامات را تا وقتی باید ادامه داد که در باز شود و طبیب معالج از آن در آید و با ورود طبیب باید همه افراد منزل جهت فعالیت خود را بسوی که طبیب می گوید منعطف - دارند و گرنه بجای علاج مرض را تا سرحد مرگ -

آهنگ بدیع

مثلی بین اروپائیان مشهور است که میگویند (هر اندازه که انسان از کلیسای دور شود بهمان اندازه بخدائزديک میشود) این دسته چون با بهائیان محشور میشوند از تعالیم آن بسیار سرور میگردند ولی از جنبه دینی آن یا خاطره های بدی که از رفتار کلیسا دارند در اول زیاد خوششان نمی آید ولی اگر مبلغ صبور باشد ممکن است مشکلات آنها را حل نمود و تفاوت را بیان داشت .

در پائیز سال گذشته که نگارنده بدعوت محفل مقدس طی آلمان سفری تبلیغی در آن کشور نمود در نقطه ای با جوان تحصیل کرده و مطلعی بر خورد کرد این جوان بعد از معرفی گفت فلانسی من قبل از اینکه برای من مطلبی بگوئی باید بگویم که از تعالیم بهائی خوش آمده و آنها را بهترین وسیله نظم جهان امروزی میدانم ولی تنها يك مسئله برای من قابل قبول نیست و آن اینکست رفقای بهائی من میگویند که من باید به بهاء الله هم معتقد باشم و به مظهریت او مقررشم و او هر چه فرموده و فرماید اطاعت کنم و این بانوع تربیت و فکر من سازگار نیست چون در دنیای امروز که تمام امور به تجربه و تحقیق قرار گرفته چطور ممکن است کورکورانه از کسی اطاعت کرد و هر چه گفت عمل نمود گفتم رفیق مطلب شما همه صحیح است جز این موضوع که فکر میکنی همه کارها را باید با فهم و تجربه انجام داد نه بصرف دستور و تعبد در حالیکه زندگی ماصبح تا شب عبارت از تعبد و قبول مطالبی است که دیگران میگویند و آن اموری که ما بفهم و تحقیق و درک خود میکنیم يك از هزار است از این بیان اظهار تعجب کرد گفتم اگر هم اکنون درد دلی بشما عارض شود و ما بطیب مراجعه نمائیم و او حضور - جراح را لازم بیند و جراح مرض شما را آبانديست تشخیص داده عمل جراحی یعنی باره کردن شکم شما را لازم بیند آیا فوراً تسلیم میشوید یا آنرا

دکتر بانوی بود پرسیدم آیا تصور میکنید که بتوانید این اتحادیه را چنان تعمیم دهید که مسیحیان تمام ممالک دیگر را نیز در آن وارد کنید یعنی کاری را که دو هزار سال نشده حال شما انجام - رسانید گفتم آری ممکن است گفتم گرفتیم که عالم مسیحی را متحد کردید آیا تصور میکنید که بشود مسلمانها و یهودیها و بودائیها را نیز در این اتحادیه وارد کرد بی انصافی را بیش از این حائز نه ید ، گفتم نه تصور نمیکنم با مزاحی آمیخته بجد گفتم آقای دکتر بانوی شما را بخدا دست از این متحد کردن بردارید که بدینوسیله اساس يك اختلاف بنیان کن را در جهان استوار میسازید . گفتم چرا؟ گفتم برای اینکه چون مسیحیان بزم شما در این سوی جهان متحد شوند اتحاد اینها ملل دیگر را نیز فکر متحد شدنی اندازد و ایجاد دویا سه اتحادیه قوی ابتدای شروع تصادم و نزاع است بعد به او گفتم مادر در این میزده نفسر نشسته ایم اگر شما میتوانید همه را یکجا متحد کنید و گرنه از متحد کردن پنج نفر در آن سر میزد دست بر دارید که ما نیز در این طرف میز متحد شده و نتیجه کار معلوم است خود او هم خنده اش گرفت بعد برای او شرح دادم که وضع دنیای امروزه طوری است که جز يك اتحادیه در آن ممکن نیست و این نیز جز بقدرت کلمه الله محال .

از این دو دسته یعنی متدینین و - معتقدین سه مکاتب که بگذریم عده ای نیز در اروپا هستند که بطور آزاد زندگی میکنند اینها ادیان را با آنهمه تشریفات و مراسم و خرافات نمی پسندند و مکاتب فلسفی یا سیاسی را نیز علاج درد نمی دانند . باید این نکته نیز عرض شود که در اروپا بعکس آنچه معروف است کسانسی که بخدا معتقد نباشند بسیار کمند و عده زیاد از کسانیکه باین نام مشهور شده اند کسانسی هستند که از مسیحیت با شکل کنونی آن خسته اند

که برای تفهیم مطلب میشود حتی الامکان خود داری کرد و مطالب را قاطع و خلاصه گفت چه غریبیا علی الخصوص انگلیسی ها و آلمان ها معتقدند که مطلب را زود درک میکنند و احتیاج به طول و تفصیل ندارد. موضوع دیگر که نیز مهم است اینست که از اصرار و تعقیب زیاد اشخاصی برای شنیدن مطالب جدا احتراز کرده و تا همانند زه که آنها اظهار اشتیاق میکنند بیان داشت و این همان حکمتی است که در الواح الهیه بارها بدان اشاره شده است.

خاتمه این مقاله را بذکر چند کلمه از نامه یک دوست دانشمند غیر بهائی خود که در شهر (مالمو) از بلاد سوئد مقیم است خاتمه میدهم تا دوستان ایرانی علی الخصوص آنهایی که آشنائی بزبان های اروپائی دارند ملاحظه فرمایند که جهان غرب تا چه حدی محتاج و تشنه مطالب امری از زبان آنهاست یعنی بهائیان موطن اصلی امر که گنجینه آثار بهائی را در اختیار دارند.

این شخص در نامه اول خود درباره امر بهائی چنین تفاوت میکند: (. . . من همیشه در ساره فلسفه عمیق و اطمینان بخش بهائی که از شما شنیده ام فکر میکنم که قادر است مشکل ترین و غامض ترین مسائل حیات را حل نماید. فلسفه ای که برستی موجب راحت و آسایش جسم و جان است. این مطالب چقدر مرا تسلی میداد و چقدر قباب توجه بود . . . دوست من با اطمینان کامل میگویم که شما مستقد بیکی از شریف ترین و روشن فکرانه ترین ادیان الهی هستید و این دین جهان آراترین دینی است که تاکنون با بر سه وجود گذاشته است . . .) و در نامه دیگر در جواب نامه این عبد که بعنوان خدا حافظی وقت خروج از آن ممالک به او نوشته بودم نوشته است: . . . دوست من مطلب شما صحیح است که ما حال که از نظر جسمانی از هم دوریم از نظر روحانی همیشه با هم خواهیم بود و در عالم روح بعد وفراقی نیست ولی بخاطر بیاورید که ایسن

بقیه در صفحه ۱۹۱

به طی تحصیل يك دوره طب و فهمیدن کیفیت آبیانسیست محول میدارید گفت البته تسلیم میشوم گفتم اگر جراح باین هم اکتفا ننموده از پدر و مادر شما غفلی بخواهد که در صورت خطر مرگ شما او مسئول نباشد سپس از شما قبول تزریق آمپولی را بخواهد که بيموش شده و چون مرده در کف او قرار گیرید چه میکنید گفت تسلیم میشوم چون او متخصص در جراحی است گفت اطاعت شما از حضرت بهاء الله هم بیش از آن لازم نیست یعنی تحقیق تا این حد بفرمائید که آیا او طبیب الهی است و آیا در امور فردی و اجتماعی تخصصی دارد آنوقت خود را همانقدر تسلیم او کنید که تسلیم دکتری کنید بسد برای او شرح دادم که چگونه زندگی ما در امور فردی و اجتماعی بر اساس اطاعت دستور مطلقین قرار گرفته حتی خواب و عبور و مرور در خیابانها. جوان مذکور تسلیم شد چه که این يك فرق اساسی در اروپا و ایران است که در اروپا اثر مطلق را صحیح بینند قبول میکنند و جز روسای ادیان دیگران کمتر مجادله مینمایند.

چند موضوع است که جوانان عزیز و مسائرين و مهاجرین اروپا از نظریاتی باید در نظر بگیرند یکی اینست که در جهان غرب بعکس شرق - که بیشتر با احساسات نفوس توجه میشود باید به عقول آنها راه یافت بجای توجه با احساسات - آنها باید بدلائل قطعیه امر مبارک را اثبات نمود یعنی از طریق عقل در قلب آنها راه چ یافت و این همان مضمون بیان مبارک در مفاوضا است که فرموده اند امروزه اهل عالم را براعینی عقلیه لازم است بعضی از مبتدی ها خود اظهار مینمودند که بعضی از ایرانیان همان روش شرق را معمول میدارند. موضوع دیگر آنکه در موقع نطق در جلسات و صحبت با مبتدی ها باید از طول و تفصیل های معمول در شرق -

یازدهمین انجمن علوم روحانی ملی جوانان بهائیان ایران

در ظل تائیدات و عنایات غیبیه لا ربیبه جمال
 اقدس ابهی یازدهمین کانونشن ملی جوانان بهائی
 ایران ساعت ۹¼ صبح یوم پنجشنبه ۳۱ -
 شهریورماه ۱۳۳۹ مطابق با ۱۵ شهرالعزّه ۱۱۷
 بدیع درمدینه منوره طهران بمدت سه روز با
 حضور نمایندگان جوانان قسمت های مختلفه
 امریه و نمایندگان لجنه ملی جوانان تشکیل گردید .
 نمایندگان مجتمعه در انجمن عبارت بودند از :

قسمت امری آباده جناب آقای بدیع اله خوا^{جه ای}
 " " اراک جناب آقای فرهاد رنجبر
 " " اصفهان جناب آقای علی قیاسی و
 جناب آقای عزت اله فروهی
 قسمت امری اهواز جناب آقای طراز اله گلشن
 جناب آقای همایون عنایتی
 قسمت امری آذربایجان جناب دکتر قدیریان و سرکار
 خانم پروین روغنی
 قسمت امری بابل جناب آقای عین اله ایقانی
 قسمت امری بندرگز جناب فیض اله عوض بسور
 قسمت امری بیرجند جناب آقای داریوش بیمانی
 قسمت امری زاهدان سرکار خانم رخشنده آهورائیان
 قسمت امری ساری جناب دکتر هوشیدرتبیانی
 قسمت امری قزوین جناب بهزاد خاضعی
 قسمت امری طهران سرکار خانم دکتر شکوه شکوهی
 و آقایان دکتر فرامرز سعندری
 و فریدون وهمن
 قسمت امری شیراز جناب دکتر روح اله سمیعیان
 قسمت امری کاشان سرکار خانم ضیائیه ایمنی
 قسمت امری سنگسر سرکار خانم اطهریه گلستانی

قسمت امری کرمانشاه جناب آقای امیر نسادری
 قسمت امری گیلان جناب آقای دکتر ذبیحیان
 قسمت امری یسزد جناب آقای هوشنگ ذبیحیان
 قسمت امری خراسان جناب آقای فریدون رحیمی
 نمایندگان لجنه ملی جوانان آقایان دکتر مهندس
 سیروس علائی - رضا جهانگیری - محمود مجذوب
 نمایندگان محترم قسمت های امریه کرمان همدان
 نی ریز غایب بودند .

پس از تلاوت مناجات و آیات مبارکه و بیان خیر
 مقدم حضرت ایادی امرالله جناب شعاع الله علائی
 علیه بهاء الله جلسه کانونشن را از طرف محفل
 مقدس روحانی ملی افتتاح و بیاناتی موثر و جامع
 در خصوص موقعیت حساس کنونی امرالله و اهمیت
 وظائف جوانان عزیز بهائی و اینکه آینده درانتظار
 و امید آنان است بیان فرمودند .

سپس انتخاب هیئت عامله بعمل آمد در نتیجه
 آقای محمود مجذوب بسمت ناظم و جناب مهندس
 سیروس علائی بسمت منشی کانونشن انتخاب شدند
 و در همان جلسه تلگرافی به ارض اقدس خطاب به
 هیئت مجلله ایادی ارض اقدس شرح نیسل
 مخابره گردید :

نمایندگان یازدهمین کانونشن ملی جوانان بسا
 کمال خضوع و توجه از آن هیئت مجلله استدعای دارند
 برای تائید و توفیق کانونشن در اعتبار مقدسه دعا
 فرمایند :

در جواب باین عریضه تلگرافی تلگراف نیسل از
 ارض اقدس بافتخار کانونشن واصل گردید :
 " در اعتبار مقدسه تائیدات الهیه را بسرای

آهنگ بدیع

بقیه آفتاب عسر

... این سبیل نادم و شیمان شده باشد؟

غرچه درد ریای عشقش کی نظر دارد بساحل

اوجان مشتاق موج است و بساحل عا دارد

سرافاز مکتوب جانسوز جناب انیس (میرزا محمد

علی زنوزی) که در خواب مرقومه ناپدریش نوشته

شده است خود کیفیت از کیفیات روحانی را در نظر

انسان مجسم میکند :

(هوالمعطف - قبله گاه احوال بحمد الله

عیبی ندارد لکل عسر یسر. اینکه نوشته بودید

این کار عاقبت نداد پس چه کار عاقبت دارد؟)

تا آنجا که در خواب تقاضای ناپدری که از ایشان

خواسته بود برای نجات از زندان وقتل توبه

نمایند ایشان مرقوم فرموده بودند :

من رند و عاشق آنگاه توبه ؟

استغفرالله استغفرالله

... و سر از تئیر باران شدن در خالیکه هنوز

رمقی در جان داشتند خیزان و غلطان خود را -

بمحبوب خود رسانیده میگوسد :

ارضیت عنی یا مولای ؟ ...

چه بدیع پیاپی است که حضرت بها' الله و

فرزندش عبدالبها' بما ابلاغ فرموده اند .

در تبلیغ این پیام بقوه جبریه اقدام

نمودند و تمسک نجستند چه که بیقین بیسن

دانستند که بذر حقیقت ازلیه که اس اساس

این پیام الهی است بالمآل ریشه دواند

و سرایت کند و انتشار یابد .

(علیا حسرت مساری ملکه)

رومانیا

موفقیت جوانان ایران صیمانه ملتسیم تا برانسر

خدمات درخشان مومنین اولیه بامر محبوب مشی

نمایند ."

سپس نماینده محترم لجنه ملی جوانان خلاصه

اقدامات و مجهودات یکساله لجنه را طی یکسال

گذشته باستحضار نمایندگان رسانیدند و نمایندگان

محترم نیز بترتیب خلاصه اقدامات قسمت امری خود

را بیان داشتند . روز دوم پس از استماع بیانات

نماینده محترم لجنه ملی تبلیغ و مهاجرت غرب

شور و مذاکره در اطراف اهداف باقیمانده نقشه

و همچنین مسئله طرح دوساله تبلیغ و رفیع

بیسواد و ترتید معلومات امری جامعه جوان آغاز

و تصمیمات مفیده در زمینه مسائل فوق اتخاذ

گردید .

همچنین نمایندگان مجتمعه بالوکاله از طرف

جامعه جوان قسمت امری خود مبالغی جهت کمک

به اهداف نقشه دهساله تقبل نمودند .

روز سوم در خصوص مسئله مهم ارتباط و -

حفظ وصیانت جامعه جوان و تقویت قوای روحانی

آنان بحث و مذاکره بعمل آمد و پیشنهادات -

مفیده ای ابراز و تصمیمات مهده ای اتخاذ گردید

سپس نمایندگان محترم در زمینه مسائل مختلفه

پیشنهاداتی ابراز و شور و مذاکره فرمودند و -

بالاخره پس از سه روز جلسات یازدهمین کانونشن

بکمال روحانیت و صفا خاتمه یافت .

ضمنا روز دوم لجنه مجله جوانان بهائی

طهران جهت معارفه اعضای تشکیلات جوانان -

بهائی طهران با نمایندگان محترم جلسه ای -

با شکوه ترتیب داده بودند که فوق العاده مورد

توجه نمایندگان محترم و سایر شرکت کنندگان قرار

گرفت . از آستان مقدسش مسئلت مینمائیم جامعه

جوان بهائی ایران را که پرورده یدعنایتند

بیش از پیش بانجام نوایای مبارکه اش موئید فرماید .

أم المعابد افريقيا

همان‌طور که خوانندگان عزیز بخاطر دارند حضرت ولی‌مقدس و محبوب امرالله ارواحنا لمظلومینته الفدا طی پیام منیع مبارک آپریل ۱۹۵۷ به "جبران عدم امکان ساختمان مشرق الاذکار از طرف پیروان ستم‌دیده امرالله در مهد آئین نازنین" دستور ساختمان ام المعابد افریقارا صادر فرمودند بنای مشرق الاذکار افریقا بلافاصله در همان ایام آغاز گردید و بقرارات اطلاع تا ژانویه ۱۹۶۱ برای افتتاح رسمی آماده خواهد بود .

آهنگ بدیع بکمال مباهات در این شماره عکس زیبای این معبد رفیع را منتشر و دیالیز ترجمه شرحی را که از لجنه محترمه مشرق الاذکار کامپالا اخیرا واصل گردیده بنظر قارئین محترم میرساند .

ترجمه : دکتر باهر فرقانی



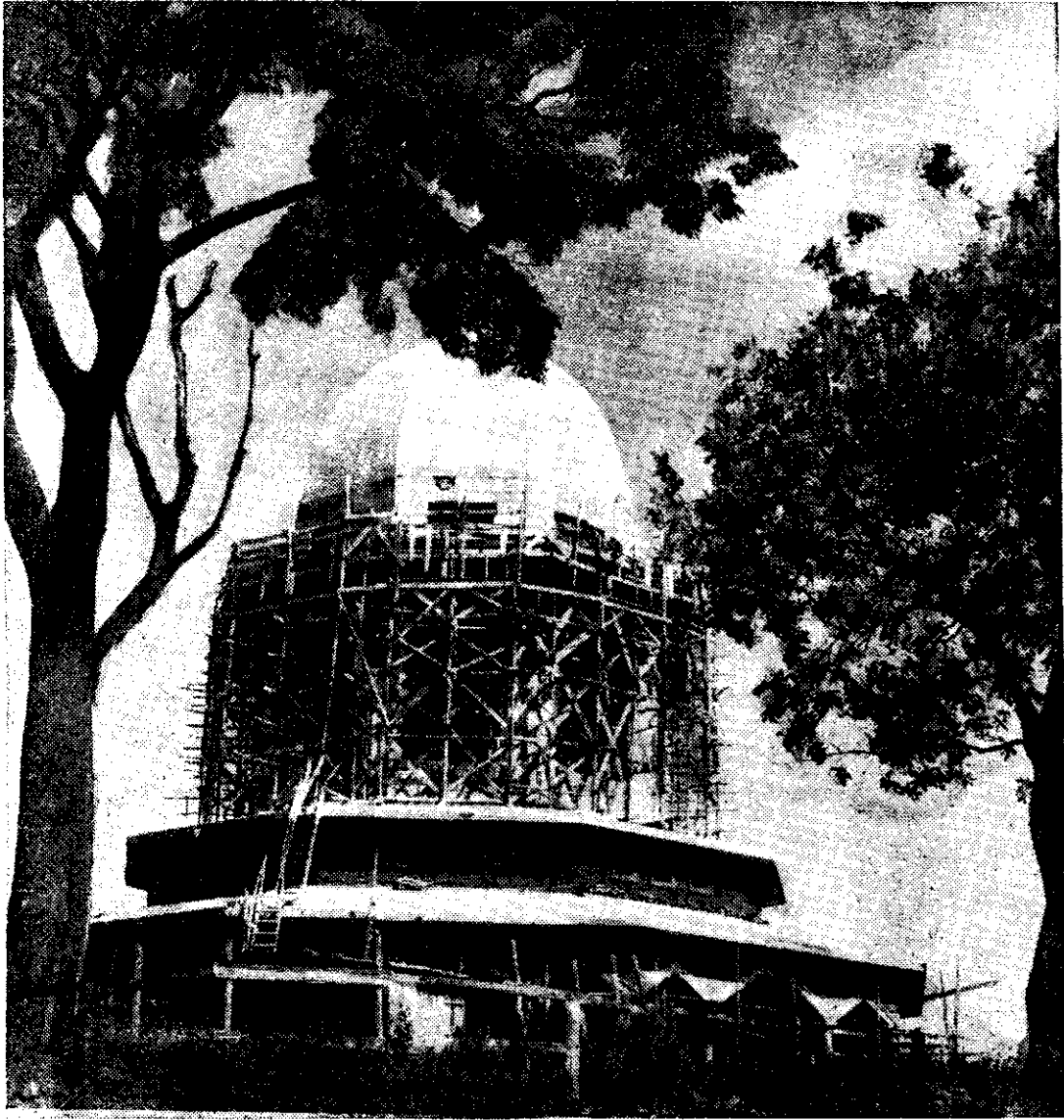
روز شنبه چهاردهم ژانویه ۱۹۶۱ برای افتتاح مشرق الاذکار کامپالا در نظر گرفته شده است . درست سه سال قبل از این تاریخ یعنی در ژانویه سال ۱۹۵۸ در کنفرانس کامپالا حضرت امه البهائم روحیه شام در معیت ایادی محبوب امرالله جناب بنانسی با گذاشتن دو صندوق کوچک محتوی قطعه گچی از سجن ماکو (محل نزول کتاب بیان) و تربت مطهر روضه مبارکه حضرت بهائم الله در پای بنا اجازه ساختمان معبد را صادر فرمودند . البته باید دانست که مقدمات بنای مشرق الاذکار در سال ۱۹۵۷ آغاز گردیده بود ولی تا ژانویه سال ۱۹۵۸ فقط ساختمان پایه‌ها تا سطح زمین انجام یافته بود .

بنای مشرق الاذکار کامپالا از بتن ساخته شده و با فولاد اندود گردیده است حتی گنبد آن نیز از یک شبکه فولادی ساخته شده با بتون پوشیده گردیده است . این معبد سه قسمت اصلی را شامل است : گنبد که بر روی آن فانوسی قرار دارد تالار مدور و قسمت پائین تر که شامل یک ایوان و یک دیوار داخلی است . ایوان دارای دو سقف است که گوی آنها از گاشی‌های سفالین که سبز کمرنگ بود و از انگلستان تهیه شده فروز گردیده است . ستون‌های خارجی ایوان نیز با موزائیک برنگ زرد طلائی پوشیده شده است . در لبه‌های طاق‌ها ایوان هم از آجرهای صافی که قبلا قالب‌گیری شده اند استفاده گردیده و دیوارهای داخلی ساختمان نیز از گچ پوشیده می‌باشد .

قسمت فوقانی یا تین ساختمان هم از گچ پوشیده شده و در هر یک از اطراف نهگانه دارای سه پنجره مربعی شکل می‌باشد .

در قسمت تالار سطح خارجی آن از یک نوع سنگی که برنگ طبیعی بود و قبلا باندازه‌های لازمه قالب‌گیری شده اند پوشیده شده و هر یک از نه ضلع دارای یک پنجره وسیع است .

بقیه در صفحه بعد



اعتذار

با عرض معذرت توجه خوانندگان محترم را بنکات ذیل معطوف میدارد :

۱ - در مقاله ناشر جلیل نجات الله جناب احمد یزدانی که تحت عنوان " چگونه بنویسیم " در شماره ششم (صفحه ۱۴۴) درج گردیده حین انتقال مطلب از صفحه ۱۴۴ به ۱۴۵ اشتباهی رخ داده بدین معنی که بقیه مطالب صفحه ۱۴۴ بجای صفحه ۱۴۵ در صفحه ۱۴۶ درج شده که یقیناً خوانندگان عزیز توجه فرموده اند - هیئت تحریریه از جناب احمد یزدانی بمناسبت این اشتباه عذرخواهی مینماید .

۲ - مقاله ای که تحت عنوان " سن جوانی را توانائی است " در شماره پنجم (صفحه ۱۲۶) درج شده از نویسنده محترم جناب حسام فروغیان بوده که اشتباهها بنام جناب حسام نقبائی معرفی گردیده که بدینوسیله از جناب فروغیان معذرت میطلبیم .

بقیه ام المعابد افریقا

... در زیرگنبد نیز بلا فاصله در هر يك از نه ضلع سه پنجره تعبیه گردیده است. شیشه ای که در کلیه این پنجره ها بکار رفته دارای رنگ سبزی آبی و زرد روشن میباشد.

گنبد و انتهای فانوس از موزائیک سفالین برنگ سبز روشن که از ایطالیا وارد گردیده میباشد در حالیکه بدنه خود فانوس از موزائیک خالص است.

در قسمت داخل زیرگنبد برنگ آبی و سطح داخلی ساختمان از بالای تالار تا کف از گچ پوشیده شده و روی آن رنگ آمیزی گردیده است رنگ تالار سفید - دیوارهای پائین سبز روشن و ستون ها برنگ سبزی تیره میباشد. باید دانست که فقط ستون های خارجی با کاشی تزئین شده است.

ابواب نه گانه بنای معبد از معبد ساخته شده که يك چوب قهوه ای رنگ زیبائی است که در این نواحی میروید.

در هر يك از در و روی این درها نیز روزنه های مشبکی از جنس ستون های قالب گیری شده است این شبکه ها در آینه از شیشه های مشبك برنگ سبز روشن و زرد روشن احاطه خواهد شد. در فواصل بین پله های پنجگانه در معبد نیز گلدانهای زیبائی پیش بینی شده که از انواع مختلف گلهای سفید رنگ انباشته خواهد شد. بنای معبد را يك چمن سبز در بر میگیرد که این چمن خود بوسیله دیوارهای کوتاه سنگی محدود میگردد. ساختمان مشرق الاذکار بوسیله نه خیابان مشجر که هر يك برنگ مخصوصی خواهد بود به ابواب نهگانه خارجی معبد مربوط میشود. مشرق الاذکار کاملاً یکی از زیبا ترین ابنیه ناحیه افریقای شرقی است و از نقاط مختلفه شهر قابل رؤیت میباشد. این معبد فخیم از هم اکنون توجه نقوش و هیئت های را که بقصد سیاحت بلین صفحات میآیند بخود جلب کرده و

یقین است که خواهد توانست بعنوان يك مبلغ صامت نقش مهمی را در انتشار امراله ایفا نماید.

بقیه بیانات حضرت حرم

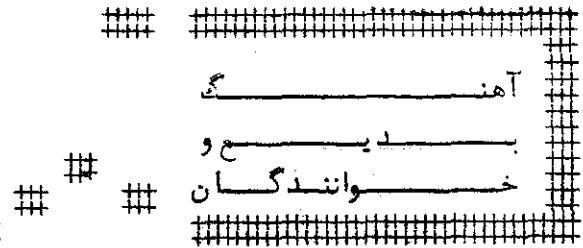
... همواره وسعت نظر و عظمت هدف موجب بوجود آمدن نیروی خارق العاده میشود و آگاهی و قیام احباء در سراسر دنیا سبب حصول وحدت در جامعه بهائی خواهد شد.

اکنون اداره تشکیلات امری در سراسر دنیا بر عهده ایادی امرالله و محافل ملیه است. وظیفه ایادی امرالله در حیف حفظ وحدت و یگانگی در جامعه بهائی است.

باید برای موفقیت ایادی امر دعا کنیم زیرا وظیفه ایشان بسیار خطیر است و تا نجات در قوه دارند می کوشند و کار میکنند. سال گذشته چند نفر از ایادی امر مقیم ارض اقدس سر به نقاط و کشورهای مختلف مسافرت نمودند و چند تن به ارض اقدس آمدند. این عمل باعث شد که ایادی مقیم ارض اقدس بصیرت و وقوف بیشتری نسبت بجوامع امری پیدا کنند و نیز منویات هیات ایادی با اطلاع احباء برسد.

بقیه آهنگ بدیع و خوانندگان

... ولی مقدس امرالله چنین بیایان رسانیده اند :
 به ادراکش هزاران آفرین بساد
 غلام همتش چرخ برین بساد
 چنین نیکو وصیت کس ننماید
 که باشد نزد دانش برگزیده
 مصون ماند از او دین خدائی
 نیفتد بین اهل حق جدائی
 شود آئین حق پیوسته صافی
 نیفتد بین مردم اختلافی
 خوش آن سالک که این ره را کند طی
 نباشد حب دنیا در دل وی



خانم مهوش سفیدوش مقاله ای تحت عنوان "جوانی از دست رفته" که حاکی از احساسات پر شور جوانی است ارسال فرموده اند این مقاله با سطور ذیل که فی الحقیقه موجد تذکروانتباه است پایان می پذیرد :

"... ای جوانان عزیز که تازه ایام شباب رامی گذرانید وای عزیزانی که قوای شما از هر حیث کامل است وای کسانی که پیری ورنجوری - ناتوانی و بیماری بسیراغ شما نیامده است موقع را غنیمت شمرد وازدقایق ایام جوانی خود استفاد ه کنید بیانات مولای رؤف را - صد ا ق گردید واز قیام خود چشمان امید و ارعالم را که متوجه شماست روشن و منیر سازید ."

دوشیزه فرشته احمدزاده محصل کلاس چهارم - دبیرستان شاهی نیز مقاله ای در خصوص "جوانی" مرقوم و ارسال داشته اند این جوان عزیز روحانی در طی این مقاله دوران شباب را با همه شور و نشاط و قدریت و استقامت که ملازم آنست میازمند هدایت و راهنمایی دانسته و با بیان شواهد و امثله بس شیرین چنین نتیجه گرفته اند که جوانان عزیز در این مرحله از سنین زندگی باید همواره دستورات و تعالیم مبارکه را هادی و راهنمای خود قرار دهند تا بتوانند از حیات روحانی بهره مند گردند - آهنگ بدیع با عرض تشکر از این جوان ارجمند امید و آراست سایر نوجوانان عزیز گرامی نیز آثار قلبی خویش را باین هیئت ارسال فرمایند .

جناب پرویز روحانی شرحی تحت عنوان (نقشی از ظاهره) ارسال و در آن با استشهاد به بعضی از اشعار نغز این شاعر و شهیسه مقامشان را در ادبیات امر مورد اشاره قرار داده اند همکاری ایشان با آهنگ بدیع موجب کمال تشکر و امتنان است .

شعری از جناب عطاءاله باک ضمیر و اصل گردیده که بمناسبت صعود هیکل انور حضرت ولی محسوب امرالله سروده اند و معرف احساسات لطیفه ایشان - در این رزیه عظمی میباشد . هیئت تحریریه آهنگ بدیع امید و آراست درآینده نیز از تراوشات قلمی و آثار منظوم ایشان استفاد ه نماید .

جناب غلامعباس گودرزی (ادیب مسعودی) که از نفوس فاضله بوده و اخیرا پس از تحری حقیقت در سلك اهل ایمان منسلک گردیده اند منظومه مفصلی در باره ظهور مظاهر مقدسه الهیه از حضرت آدم تا کنون سروده و در اختیار این هیئت گذاشته اند این منظومه چنین آغاز میشود :

بنام آنکه عالم کرد ایجاد
نخستین عشق را بنهاد بنیساد
گهی خود را در آدم جلوه گر کرد

ملائك سجده بهر سر سربسركرد
و پس از اشاره بظهور انبیا و مظاهر مقدسه الهیه یکی پس از دیگری رشته کلام را باین ظهور مبارک گشاده و شرح بسوطی در باب این ظهور اعظم از حضرت اعلی و حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء ارواحنا لهم الفد ابیان نموده و اشعار خویش را بذکر حضرت